

























# کنگدکشی در حال وقوع سیل‌های اخیر

تغییر اقلیم، گرمایش جهانی و خشکسالی‌های حاصل از آن از چالش‌های مهم حال حاضر جهان به‌شمار می‌آید که می‌تواند باعث وقوع نوسانات گسترده در شرایط آب و هوایی کره زمین شود. این نوسانات موجب تغییرات در وسیم در الگوهای آب و هوایی (تغییر توزیع بارش و رخداد پدیده‌های جوی) شده و در پی آن باعث گسترش و تداوم خشکسالی، فرسایش خاک، بیابانزایی، وقوع ریزگرد و تخریب اراضی زیست محیطی شده است. از عوامل و پیامدهای تغییر اقلیم به گرم شدن هوای کره زمین (که به نام گرمایش جهانی هم معروف است)، تغییر در الگوهای بارندگی، رگباری شدن بارش‌ها، تغییر شکل بارش‌ها، حالت برف به باران و در نهایت تأثیر این عوامل بر بروز سیلاب است.

مسبب زمانی رخ می‌دهد که خاک و پوشش گیاهی یک منطقه توانایی جذب آب را نداشته باشد. در این زمان حجم آب در صورت غیر قابل کنترل از طریق کانال‌های رودخانه‌ای یا حفره‌های طبیعی یا مخازن آب دست‌ساز بشر ریزش می‌کند. شهرسازی‌ها و حذف گیاهان باعث کاهش مقدار آب نفوذی و افزایش آب سطحی می‌شود. حجم زیاد آب از یک طرف بر بزرگی قطعات می‌افزاید و از طرفی با افزایش فرسایش، رسوباتی به وجود می‌آورد که با برچایی گذاشتن آنها ظرفیت بستر اصلی رود کاهش می‌یابد.

زیست‌بوم ایران از یک سو به دلیل ویژگی‌های جغرافیایی، اقلیمی و ریخت‌شناسی منابع آب، از خاک در تاریخ طولانی خود، به عنوان یک سرزمین نیمه خشک در بخش عمده‌ای از فلات ایران شناخته شده است، اما از سوی دیگر به علت تنوع سرزمینی و اقلیمی و شرایط حاکم بر شیوه توسعه جاری و ماکم، در همین دوران همواره با بروز حوادث متعدد طبیعی و به ویژه طغیان و جریان ناپهنگام آبهای سطحی در ازنطاق کشور - صرف نظر از شرایط متنوع جغرافیایی خود هم در چالش بوده است.

بررسی اسامی از دهه‌های مقابله با سیل در بسیاری از کشورها و از جمله احداث سبیل گیزها، ناله‌های روسپی، میل‌های حفاظتی و موارد مشابه در ایران و در طول تاریخ توسعه آن نشان می‌دهد که الگوی بارش‌های غالب بر این سرزمین - بسیار ویرانی‌های مشخص شدت - مدت متناظر با اقلیم نیمه خشک کشور تا حد اندازه پتانسیل و احتمال وقوع سیلاب‌ها در برای زیستندان این سرزمین افزایش داده است.

از سوی دیگر حتی در مناطقی از کشور که شرایط آب و هوایی و اقلیم بارش در مجموع باید اطمینان‌خاطر ساکنان را از وقوع سیلاب‌های مخرب افزایش دهد هم به دلیل دست‌اندازی‌های انسانی در عمل عمل وقوع مکرر این واقعه شده است که مصداق آن افزایش تکرار و شدت وقوع سیلاب‌ها در پهنه سواحل خزر و به ویژه مناطق شرقی آن را می‌توان نام برد. متأسفانه عدم توجه به تأثیر متقابل مؤلفه‌های محیطی – انسانی –

و تسک متغیره دیدن بروز پدیده‌ها و وقایع مشابه سیلاب – در عمل موجب شده است که در مواجهه شدن با یک پدیده طبیعی و به منظور حل موضعی آن، نسبت به حذف دیگر پدیده‌های مرتبط و تحت تأثیر افتاد شود. **دلایل اصلی وقوع سیل**

بسیاری از عواملی که منجر به تشدید

آثار سیلاب شده است، در اکثر مناطق کشور

درواقع همان عواملی هستند که در سالیان

گذشته موجب بروز تنش آبی، افت شدید

سطح ایستابی آبهای زیرزمینی، فرونشست

زمین‌، بروز پدیده فرورانه‌ها، هیا ناپایداری

فرسایش خاک و به ویژه گسیل ذرات ناپایدار

خاک از مناطق مستعد فرسایش پذیری یا

در حوضه‌های ناپایدار و از شیب‌های

زیاد که علاوه بر کاهش ظرفیت خاک‌ها در

جذب، به دام اندازی و نفوذ طبیعی آب به

سفره‌های آب زیرزمینی از یک سو موجب

کاهش زمان آبدوی (حرکت آب در سطح

زمین) و در نتیجه کاهش زمان مورد نیاز برای

تجمع آب‌های پایین دست و خط‌القع‌ها

شده و از سوی دیگر با افزایش شکنندگی

و بی‌سی‌حفاظ کردن بافت خاک و رخنمون

سطحی آن، موجب افزایش احتمال فرسایش

و گسیل ریزگرد با منشأ داخلی در کانون‌های

محلی شده است.

۴. انجام ندادن عملیات آبخیزداری

در حوضه‌های بالادست‌مهمترین سدهای

در حوضه‌های ناپایدار و از شیب‌های

زیاد که علاوه بر کاهش ظرفیت خاک‌ها در

جذب، به دام اندازی و نفوذ طبیعی آب به

سفره‌های آب زیرزمینی از یک سو موجب

کاهش زمان آبدوی (حرکت آب در سطح

زمین) و در نتیجه کاهش زمان مورد نیاز برای

تجمع آب‌های پایین دست و خط‌القع‌ها

شده و از سوی دیگر با افزایش شکنندگی

و بی‌سی‌حفاظ کردن بافت خاک و رخنمون

سطحی آن، موجب افزایش احتمال فرسایش

و گسیل ریزگرد با منشأ داخلی در کانون‌های

محلی شده است.

۴. انجام ندادن عملیات آبخیزداری

در حوضه‌های بالادست‌مهمترین سدهای

در حوضه‌های ناپایدار و از شیب‌های

زیاد که علاوه بر کاهش ظرفیت خاک‌ها در

جذب، به دام اندازی و نفوذ طبیعی آب به

سفره‌های آب زیرزمینی از یک سو موجب

کاهش زمان آبدوی (حرکت آب در سطح

زمین) و در نتیجه کاهش زمان مورد نیاز برای

تجمع آب‌های پایین دست و خط‌القع‌ها

شده و از سوی دیگر با افزایش شکنندگی

و بی‌سی‌حفاظ کردن بافت خاک و رخنمون

سطحی آن، موجب افزایش احتمال فرسایش

و گسیل ریزگرد با منشأ داخلی در کانون‌های

محلی شده است.

۴. انجام ندادن اقدام اساسی در مبارزه

با بیماری درختان بلوط در حوضه زاگرس

که باعث نابودی حداقل ۱۳ میلیون اصله

درخت بلوط در استان‌های لرستان، ایلام،

خوزستان، فارس و چهارمحال و بختیاری شد

این موضوع باعث می‌شود تا با کمترین بارش،

روان آب جاری شود و فرسایش خاک و

سیلاب‌های شدید را سبب شود. کاهش

طول عمر سده انشای از رسوب گذاری بیش

از حد متعارف در دیگر سدهای بزرگ و کاهش

حجم مخزن از دیگر خسارات ناشی از کاهش

پوشش گیاهی است.

۵. جنگل‌های دز و کرخه یکی از

بزرگترین اکوسیستم‌های طبیعی جنگلی است

و علاوه بر کاهش ظرفیت مفید سدهای مهم

کشور با انباشت رسوبات در مخازن سدها

و کاهش عمق مفید مسیرهای آبگذری،

ظرفیت منابع و سازه‌های آبی برای انتقال

مازاد آب ناشی از روان آب و در

نتیجه افزایش شدت سیلاب‌ها با شده است.

همچنین عدم توقیف در عملیات آبخیزداری

مورد نظر، در عمل شانس ناپایداری خاک‌ها

و احتمال بروز پدیده گردوغبار را هم افزایش

داده است.

۵. انجام ندادن عملیات آبخیزانداری و

توجه تک محوری به سدسازی در سنوات

گذشته و فراموش کردن توان سرزمینی در

پایرش، مستعجل کردن و کاهش سرعت

حرکت رواناب‌ها از طریق آبخیزانداری،

۶. توجه نکردن کافی به روش‌های

منطبق با توان طبیعی از قبیل تغذیه مصنوعی

و …، بی توجهی به الگوی منطقی پراکنش

و ادامده دارد

۱. انجام ندادن اقدام اساسی در مبارزه

با بیماری درختان بلوط در حوضه زاگرس

که باعث نابودی حداقل ۱۳ میلیون اصله

درخت بلوط در استان‌های لرستان، ایلام،

خوزستان، فارس و چهارمحال و بختیاری شد

این موضوع باعث می‌شود تا با کمترین بارش،

روان آب جاری شود و فرسایش خاک و

سیلاب‌های شدید را سبب شود. کاهش

طول عمر سده انشای از رسوب گذاری بیش

از حد متعارف در دیگر سدهای بزرگ و کاهش

حجم مخزن از دیگر خسارات ناشی از کاهش

پوشش گیاهی است.

۵. جنگل‌های دز و کرخه یکی از

بزرگترین اکوسیستم‌های طبیعی جنگلی است

و علاوه بر کاهش ظرفیت مفید سدهای مهم

کشور با انباشت رسوبات در مخازن سدها

و کاهش عمق مفید مسیرهای آبگذری،

ظرفیت منابع و سازه‌های آبی برای انتقال

مازاد آب ناشی از روان آب و در

نتیجه افزایش شدت سیلاب‌ها با شده است.

همچنین عدم توقیف در عملیات آبخیزداری

مورد نظر، در عمل شانس ناپایداری خاک‌ها

و احتمال بروز پدیده گردوغبار را هم افزایش

داده است.

۵. انجام ندادن عملیات آبخیزانداری و

توجه تک محوری به سدسازی در سنوات

گذشته و فراموش کردن توان سرزمینی در

پایرش، مستعجل کردن و کاهش سرعت

حرکت رواناب‌ها از طریق آبخیزانداری،

۶. توجه نکردن کافی به روش‌های

منطبق با توان طبیعی از قبیل تغذیه مصنوعی

و …، بی توجهی به الگوی منطقی پراکنش

و ادامده دارد

۱. انجام ندادن اقدام اساسی در مبارزه

با بیماری درختان بلوط در حوضه زاگرس

که باعث نابودی حداقل ۱۳ میلیون اصله

درخت بلوط در استان‌های لرستان، ایلام،

خوزستان، فارس و چهارمحال و بختیاری شد

این موضوع باعث می‌شود تا با کمترین بارش،

روان آب جاری شود و فرسایش خاک و

سیلاب‌های شدید را سبب شود. کاهش

طول عمر سده انشای از رسوب گذاری بیش

از حد متعارف در دیگر سدهای بزرگ و کاهش

حجم مخزن از دیگر خسارات ناشی از کاهش

پوشش گیاهی است.

۵. جنگل‌های دز و کرخه یکی از

بزرگترین اکوسیستم‌های طبیعی جنگلی است

و علاوه بر کاهش ظرفیت مفید سدهای مهم

کشور با انباشت رسوبات در مخازن سدها

و کاهش عمق مفید مسیرهای آبگذری،

ظرفیت منابع و سازه‌های آبی برای انتقال

مازاد آب ناشی از روان آب و در

نتیجه افزایش شدت سیلاب‌ها با شده است.

همچنین عدم توقیف در عملیات آبخیزداری

مورد نظر، در عمل شانس ناپایداری خاک‌ها

و احتمال بروز پدیده گردوغبار را هم افزایش

داده است.

۵. انجام ندادن عملیات آبخیزانداری و

توجه تک محوری به سدسازی در سنوات

گذشته و فراموش کردن توان سرزمینی در

پایرش، مستعجل کردن و کاهش سرعت

حرکت رواناب‌ها از طریق آبخیزانداری،

۶. توجه نکردن کافی به روش‌های

منطبق با توان طبیعی از قبیل تغذیه مصنوعی

و …، بی توجهی به الگوی منطقی پراکنش

و ادامده دارد

۱. انجام ندادن اقدام اساسی در مبارزه

با بیماری درختان بلوط در حوضه زاگرس

که باعث نابودی حداقل ۱۳ میلیون اصله

درخت بلوط در استان‌های لرستان، ایلام،

خوزستان، فارس و چهارمحال و بختیاری شد

این موضوع باعث می‌شود تا با کمترین بارش،

روان آب جاری شود و فرسایش خاک و

سیلاب‌های شدید را سبب شود. کاهش

طول عمر سده انشای از رسوب گذاری بیش

از حد متعارف در دیگر سدهای بزرگ و کاهش

حجم مخزن از دیگر خسارات ناشی از کاهش

پوشش گیاهی است.

۵. جنگل‌های دز و کرخه یکی از

بزرگترین اکوسیستم‌های طبیعی جنگلی است

و علاوه بر کاهش ظرفیت مفید سدهای مهم

کشور با انباشت رسوبات در مخازن سدها

و کاهش عمق مفید مسیرهای آبگذری،

ظرفیت منابع و سازه‌های آبی برای انتقال

مازاد آب ناشی از روان آب و در

نتیجه افزایش شدت سیلاب‌ها با شده است.

همچنین عدم توقیف در عملیات آبخیزداری

مورد نظر، در عمل شانس ناپایداری خاک‌ها

و احتمال بروز پدیده گردوغبار را هم افزایش

داده است.

۵. انجام ندادن عملیات آبخیزانداری و

توجه تک محوری به سدسازی در سنوات

گذشته و فراموش کردن توان سرزمینی در

پایرش، مستعجل کردن و کاهش سرعت

حرکت رواناب‌ها از طریق آبخیزانداری،

۶. توجه نکردن کافی به روش‌های

منطبق با توان طبیعی از قبیل تغذیه مصنوعی

و …، بی توجهی به الگوی منطقی پراکنش

و ادامده دارد

۱. انجام ندادن اقدام اساسی در مبارزه

با بیماری درختان بلوط در حوضه زاگرس

که باعث نابودی حداقل ۱۳ میلیون اصله

درخت بلوط در استان‌های لرستان، ایلام،

خوزستان، فارس و چهارمحال و بختیاری شد

این موضوع باعث می‌شود تا با کمترین بارش،

روان آب جاری شود و فرسایش خاک و

سیلاب‌های شدید را سبب شود. کاهش

طول عمر سده انشای از رسوب گذاری بیش

از حد متعارف در دیگر سدهای بزرگ و کاهش

حجم مخزن از دیگر خسارات ناشی از کاهش

پوشش گیاهی است.

۵. جنگل‌های دز و کرخه یکی از

بزرگترین اکوسیستم‌های طبیعی جنگلی است

و علاوه بر کاهش ظرفیت مفید سدهای مهم

کشور با انباشت رسوبات در مخازن سدها

و کاهش عمق مفید مسیرهای آبگذری،

ظرفیت منابع و سازه‌های آبی برای انتقال

مازاد آب ناشی از روان آب و در

نتیجه افزایش شدت سیلاب‌ها با شده است.

همچنین عدم توقیف در عملیات آبخیزداری

مورد نظر، در عمل شانس ناپایداری خاک‌ها

و احتمال بروز پدیده گردوغبار را هم افزایش

داده است.

۵. انجام ندادن عملیات آبخیزانداری و

توجه تک محوری به سدسازی در سنوات

گذشته و فراموش کردن توان سرزمینی در

پایرش، مستعجل کردن و کاهش سرعت

حرکت رواناب‌ها از طریق آبخیزانداری،

۶. توجه نکردن کافی به روش‌های

منطبق با توان طبیعی از قبیل تغذیه مصنوعی

و …، بی توجهی به الگوی منطقی پراکنش

و ادامده دارد

۱. انجام ندادن اقدام اساسی در مبارزه

با بیماری درختان بلوط در حوضه زاگرس

که باعث نابودی حداقل ۱۳ میلیون اصله

درخت بلوط در استان‌های لرستان، ایلام،

خوزستان، فارس و چهارمحال و بختیاری شد

این موضوع باعث می‌شود تا با کمترین بارش،

روان آب جاری شود و فرسایش خاک و

سیلاب‌های شدید را سبب شود. کاهش

طول عمر سده انشای از رسوب گذاری بیش

از حد متعارف در دیگر سدهای بزرگ و کاهش

حجم مخزن از دیگر خسارات ناشی از کاهش

پوشش گیاهی است.

۵. جنگل‌های دز و کرخه یکی از

بزرگترین اکوسیستم‌های طبیعی جنگلی است

و علاوه بر کاهش ظرفیت مفید سدهای مهم

کشور با انباشت رسوبات در مخازن سدها

و کاهش عمق مفید مسیرهای آبگذری،

ظرفیت منابع و سازه‌های آبی برای انتقال

مازاد آب ناشی از روان آب و در



















**فراخوان فلسطینی هابرای نافرمانی مدنی علیه«معامله‌قرن»**

سرویس خارجی: سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) و نهادهای جامعه مدنی فلسطین خواستار نافرمانی مدنی سراسری برای مقابله با طرح صلح آمریکا برای فلسطین موسوم به معامله قرن، همزمان با روزنامی از آن در اجلاس بحرین شاند.

نمایندگان سازمان آزادیبخش و نهادهای جامعه مدنی فلسطین و همچنین شخصیت‌های مستقل همزمان با نزدیک شدن به موعد برگزاری اجلاس بحرین به عنوان بخشی از طرح صلح آمریکا برای فلسطین و رژیم صهیونیستی، خواستار نافرمانی مدنی فلسطینی‌ها در تمامی استان‌ها و اردوگاه همزمان با برگزاری این اجلاس در ۲۵ و ۲۶ژوئن (چهارم و پنجم تیر) شدند. در همین راستا، واصل ابو یوسف، عضو کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) اعلام کرد: این نشست از جمله نشست‌هایی است که تمامی احزاب را برای وضع برنامه‌هایی به منظور فعالیت مردمی علیه طرح‌ها و اقدامات آمریکایی و اسرائیلی متحد می‌کند. که هدف از آنها از این برون بدود حقوق ملت فلسطین است چرا که حقوق ملت فلسطین با پول قابل معاوضه نیست.

در این حال تلویزیون رژیم صهیونیستی گزارش داد که کاخ سفید در حال اعمال فشار سنگین بر کشورهای عربی و اسلامی برای شرکت در نشست اقتصادی بحرین درباره فلسطین است. تلویزیون رژیم صهیونیستی در عین حال اعلام کرد، برخی از کشورهای عربی هنوز حضور خود در کنفرانس منامه را قطعی نکرده‌اند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به کشورهای مصر، اردن، مغرب و کویت اشاره کرد.

**انصارالله یمن : آماده حمله به تمامی فرودگاه های عربستان و امارات هستیم**

سرویس خارجی: سخنگوی جنبش انصارالله یمنس پس از موفقیت‌های اخیر یگان پهبادی این جنبش برای انجام عملیات در عمق خاک عربستان، رژیم های سعودی و امارات را تهدید به تشدید حملات به فرودگاه‌های آنان در صورت تداوم بسته ماندن فرودگاه «صعا» کرد.

«محمد عبدالسلام» در سخنانی انتلاف سعودی را تهدید و اعلام کرد: هدف قرار دادن فرودگاه‌های عربستان و امارات ، بهترین راه برای رفع محاصره فرودگاه «صعا» و باز شدن آن است و ما آمادگی انجام حملات به تمامی فرودگاه‌های کشورهای عضو ایسن ائتلاف را داریم زیرا آنها کاملاً استغای خود را به «عبد ربه منصور هادی،» رئیس جمهوری مستعفی این کشور تحویل داده است.

در همین حال، شبکه سعودی «العریبه» از استغفای «خالد البیانی» ، وزیر خارجه دولت مستعفی یمن خبر داد. این منبع خبری افزود: وی رسماً استغای خود را به «عبد ربه منصور هادی،» رئیس جمهوری مستعفی این کشور تحویل داده است.

**منابع روسی از آماده شدن تروریست های سوریه برای حمله شیمیایی خبر دادند**

سرویس خارجی: منابع روسی اعلام کردند که عناصر گروه تروریستی «جیش العزه» سه کیسول گاز کلر از تروریست‌ها جبهه انصره در شمال استان حما در سوریه تحویل گرفته اند و احتمالاً شش منطقه از استان حما هدف سناریوی شیمیایی آنان خواهد بود. تحركات تروریست‌ها در شمال غرب سوریه برای آماده کردن سناریوی شیمیایی جدید و منهد کردن ارتش سوریه به استفاده از آن همچنان ادامه دارد و در جدیدترین اقدام، عناصر گروه تروریستی «جبهه النصره» سه کیسول گاز کلر را از یکی از مقرهای این گروه در منطقه «جبل الزاویه» (جنوب ادلب) به ریف شمالی استان حما انتقال دادند. منابع آگاه به خبرگزاری روسی اسپوتنیک گفتند که عناصر النصره، این کیسول‌ها را با یک آمبولانس که وابسته به نیروهای غربی موسوم به «کاله سفیدها» بود، منتقل کردند.در این حال سفیر روسیه در دمشق تأکید کرد که هرگونه حضور نظامی خارجی غیرقانونی در سوریه باید پایان یابد.

**کشته شدن ۴ معترض در نخستین روز نافرمانی مدنی سودانی ها**

سرویس خارجی: کمیته مرکزی پزشکان سودان اعلام کرد: در نخستین روز نافرمانی مدنی سراسری در این کشور، چهار نفر در شهرهای «خارطوم» و «ام درمان» توسط نیروهای امنیتی وابسته به شورای نظامی کشته شدند. کمیته مرکزی پزشکان سودان اعلام کرد: در نخستین روز نافرمانی مدنی سراسری سودانی ها، دو معترض

صاحب امتیاز: شرکت ارتباط انچاپ (مؤسسه اطلاعات)
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سر دبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران -بلوار میرداماد- خیابان مصطفی جنوبی (نفت سابق)
ساختمان اطلاعات -کدپستی ۱۵۴۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحذیریه۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹۹
نمابر آگهی‌ها ۲۲۲۵۸۰۱۹۹
تلفن پذیرش آگهی‌ها ۲۲۲۵۸۰۱۴-۱۸
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com
منتشور اخلاقی: http://www.ettelaat.com/ftp/manshoor.pdf

سال نود و سوم

# پیروزی نامزد حزب حاکم در انتخابات، قزاقستان رانا آرام کرد

برعهده گرفت، در ۹ آوریل اعلام کرد که انتخابات ریاست جمهوری زوهنگام در ۹ ژوئن در این کشور



بازگرا می‌شود. این در حالی است که نتیجه این انتخابات سبب بروز اعتراضات مردمی ششده است و در

## سندرز:ترامپ روانی درانتخابات ۲۰۲۰ شکست می خورد

روانی است که هر کاری برای پیروزی در انتخابات می‌کند.
ترامپ نیز درایالت های میشیگان، پنسیلوانیا و ویسکانسین از او جلو ه‌ستم.وی گفت: به نظرسنجی هایی که نشان می دهد ترامپ انتخابات را به مسن واگذار می کند یا در ایالات متحده یک دروغگوی روانی است و دراین انتخابات شکست خواهد خورد.برنی سندرز(اظهارداشت:من دلم که تمامی این نظر سنجی ها از شکست

## بازداشت تیم تروریستی «داعش» در کابل

سرویس خارجی:ریاست امنیت ملی افغانستان ازبازداشت یک تیم تروریستی داعش در کابل پایتخت این کشور خبر داد.ریاست امنیت ملی افغانستان دریانیه این دستگیر شدن تیم شش نفره گروه تروریستی داعش در کابل

## طرح جدید سناتورهای آمریکایی برای جلوگیری از فروش سلاح به عربستان

سرویس خارجی: سناتورهای آمریکایی همچنان به تلاش خود برای مقابله با اقدامات رئیس جمهوری این کشور در فروش تکنولوژی و تسلیحات راهبردی به رژیم سعودی ادامه می دهند و در تازه ترین اقدام خود ، با ارائه طرحی جدید ، درصدد جلوگیری از دور زن مجدد کنگره توسط ترامپ برآمدند.به گزارش شبکه «ان بی سی نیوز»، چند سناتور آمریکایی به دنبال تصویب یک قطعنامه برای

بجوهه اعتراضات نسبت به انتخابات روزیکشنبه،پلیس صدها تن ازمعترضان روزداشت کرد:ا انتخاباتی که مخالفان



معارض بازداشت شده‌اند. معاون وزیر کشور قزاقستان اعلام کرد:به افسر پلیس که برخی از آنها

## ورود صدها نظامی آمریکایی به «اربیل» عراق بدون هماهنگی با دولت مر کزی

سرویس خارجی: صدها نظامی جدید آمریکایی همزمان با آغاز به کار سفر قلمداد و اعلام در بغداد، بدون هماهنگی با دولت مرکزی این کشور وارد پایگاه «اربیل» در اقلیم کردستان شدند. برخی اعضای کمیسیون امنیت و دفاع پارلمان عراق اعلام کردند : به تازگی صدها نظامی آمریکایی بدون هماهنگی با دولت مرکزی بغداد یا وزارت دفاع عراق ، وارد پایگاه «اربیل» در اقلیم کردستان نظامیان آمریکایی در عراق

## زرداری رئیس جمهوری پیشین پاکستان بازداشت شد

سرویس خارجی:دیوان ملی احتساب پاکستان «آصف علی زرداری» رئیس جمهوری پیشین این کشور را در ارتباط با پرونده پولشویی بازداشت کرد.رسانه‌های پاکستانی گزارش دادند: پس از لغو درخواست تمدید قرار وثیقه «زرداری» و خاتم فریال تالپور خواهر وی از سوی دادگاه اسلام آباد، مأموران دیوان ملی احتساب به مراجعه به محل اقامتگاه رئیس جمهوری سابق پاکستان وی را بازداشت کردند. براساس این گزارش، قاضی (محسن اختر کپانی» رأی نهایی درخصوص پرونده پولشویی آصف علی زرداری سرپرست حزب مردم و رئیس جمهوری سابق و خاتم فریال تالپور خواهر وی را صادر کرد. حزب مردم پاکستان اعلام کرد که زرداری و خواهرش رأی دادگاه اسلام آباد را در دیوان عالی به چالش می کشند .

**کشی‌آه لاه مین ایشی چهان**

**کره شمالی سالگرد سفر رهبر معظم انقلاب به پیوتک‌بانگ را گرامی داشت**

فارس: کره شمالی در همین آسین سالگرد دیدار میان اکیم ایل سونگ» رهبر متوفای این کشور با حضرت آیت‌الله خا مناهی، رهبر معظم انقلاب اسلامی در زمان ریاست جمهوری، مراسمی را به مناسبت هفته دوستی ایران و کره شمالی برگزار کرد. خبرگزاری رسمی کره شمالی گزارش داد که سید «محسن عمادی» سفیر ایران در کره شمالی و «پارک کیونگ ایل» نایب رئیس کمیته کره‌ای روابط فرهنگی با کشورهای خارجی، در این مراسم تصریح کردند که دیدار و گفت‌وگو میان اکیم ایل سونگ و رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران یک رویداد تاریخی بود زیرا اساس روابط گسترده دوجبهه در زمینه‌های گوناگون از جمله سیاست، اقتصاد و فرهنگ را بنیانگذاری کرد.

**تورر مسئول ارشد جماعت اسلامی لبنان در «شعبا»**

فارس: یکی از مسئولان ارشد «جماعت اسلامی لبنان» هدف تراندازی افراد ناشناسن قرار گرفت و کشته شد. «جماعت اسلامی لبنان» اعلام کرد، افراد مسلح ناشناس، «محمد قاسم جراره» مسئول این جنبش در منطقه «شعبا» در جنوب لبنان را ترور کردند.جماعت اسلامی لبنان نزدیک به جریان سیاسی «مخوات المسلمین» است و در بخش‌های مختلف لبنان فعالیت دارد.

**کشته شدن یک نظامی جمهوری آذربایجان در منطقه قره باغ**

اینا: وزارت دفاع جمهوری آذربایجان از کشته شدن یک نظامی این کشور در منطقه مورد مناقشه قره باغ خبر داد. این وزارتخانه در گزارشی نیروهای نظامی ارمنستان را به خرابکاری در منطقه مورد مناقشه قره باغ متهم و اعلام کرد: بر اثر نقض آتش پس از سوی نیروهای ارمنی در منطقه مرزی جمهوری آذربایجان، یک نظامی این کشور جان خود را از دست داد.



ایستا: یک منبع خبری اعلام کرد، درختی که امانوئل مکرون و دونالد ترامپ در جریان دیدار سال گذشته به عنوان نماد دوستی بین آنها در محوطه اطراف کاخ سفید کاشتنده خشک شد و از بین رفت. یکی از ویژگی‌های نمادین این درخت این بود که متعلق به جنگلی در شمال فرانسه بود که در آنجا و در زمان جنگ جهانی اول حدود ۲۰۰۰ سرباز آمریکایی جان خود را از دست داده بودند. گفته می شود این درخت چند روز بعد از کاشته شده و به بکاره ناپدید شد و مقامهای آمریکایی آن را به قرنطینه منتقل کردند اما در قرنطینه خشک شد.

**هانت: اتحادیه اروپا خواهان مذکره مجدد درباره بر گزیت است**

ایبستا: وزیر امور خارجه انگلیس گفت، صدراعظم آلمان گفته اتحادیه اروپا تمایل به مذاکره مجدد درباره توافق برگزیت دارد. جرمنی هانت گفت: من اخیراً به کار مسرم با انگلار مرکل صدراعظم آلمان دیدار کردم و متقاعد شدم که تغییر در توافق ترزای، نخست وزیر مستعفی انگلیس محتمل است.

**ینی شفق:ترکیه آماده جایگزین کردن«اف-۳۵» با جنگنده های ساخت چین و روسیه است**

مهر: روزنامه ینی شفق ترکیه در گزارشی اعلام کرد:آنکارا قصد دارد درصورت لغو ارسال «اف-۳۵»سوی آمریکا، جنگنده‌های «جی-۳۵» ساخت چین و «سوخو-۵۷» روسیه را خرید و جایگزین آن کند.ینی شفق گفت: در صورت لغو ارسال اف-۳۵ به ترکیه، از جمله گزینه‌های موجود آنکارا نخستن برز می‌م‌ل‌گ‌ر‌ه با روسیه برای خرید سوخو-۵۷ است و همچنین خرید جنگنده جی-۳۱ چین در دست بررسی قرار دارد.

**۹۵کشته در حمله به روستایی در مالی**

فارس:منابع خبری از کشته شدن دستکم ۹۵نفر در نتیجه حمله مسلحانه به روستایی در مرکز مالی خبر می‌دهند.شبکه الجزیره گزارش داد که حمله مسلحانه به روستایی «سویانو» در مرکز مالی منجر به کشته شدن ۹۵نفر شد.وزارت دفاع مالی نیز این حمله را تأیید کرد. جزئیات بیشتری از این حادثه، به بکاره ناپدید است.

**آگهی مناقصه عمومی با اخذ سپرده**

**درخواست شماره:**

**RHP-7302505467-T25**

**موضوع آگهی:**

**خرید FLOW DIVIDER**

برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت این شرکت WWW.BAORCO.IR مراجعه نمایید.

**روابط عمومی**

**آگهی مناقصه عمومی با اخذ سپرده**

**درخواست شماره:**

**RHP-7302514138-T17**

**موضوع آگهی:**

**خرید ماشین شستشوی ظروف نمونه گیری آزمایشگاه**

برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت این شرکت WWW.BAORCO.IR مراجعه نمایید.

**روابط عمومی**

**(مناقصه عمومی)**

**شماره: ۰۲-۹۸**

**شرکت خدمات پس از فروش ایران ترانسفو**

در نظر دار د بارگیری و حمل دو دستگاه استنسر فماتور 30MVA با متعلقات مربوطه (رادیا تور، فن، کنسرواتور) به وزن هر دستگاه ۲۸تن از اهواز انبار برق منطقه‌ای خوزستان و تخلیه در زنجان کارگاه شرکت خدمات پس از فروش ایران ترانسفورا از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.

مقتضایان می توانند جهت اخذ اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۲۴-۳۲۲۲۲۳۸۰ از ساعت ۸:۱۶ تماس حاصل نموده و حداکثر ۷۲ روز پس از تاریخ چاپ آگهی نماینده خود را جهت اخذ، تکمیل و تحویل مدارک به همراه معرفی نامه اعزام نمایند. شرکت خدمات پس از فروش ایران ترانسفو در رد یا قبول پیشنهادهای ارائه شده مختار است.

(هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد)

آدرس: زنجان، شهرک صنعتی شماره یک (علی آباد) نبش خیابان مراد شرکت خدمات پس از فروش ایران ترانسفو (واحد پشتیبانی)

**سازمان امور مالیاتی کشور**

**دعوت به همکاری متخصصین و مشاورین ارشد حوزه فاوا**

**سازمان امور مالیاتی کشور به منظور اجرای پروژه‌های مرتبط در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات، از متخصصین و مشاورین ارشد در حوزه (فاوا) به شرح زیر جهت بکارگیری در اجرای پروژه‌های تخصصی دعوت به همکاری می نماید:**

- متخصصین و مشاورین خبره در زمینه نصب، بکارگیری، بهینه سازی و امنیت سیستم عامل های، Unix، Linux
- متخصصین و مشاورین خبره در زمینه نصب، بکارگیری، طراحی، بهینه سازی و امنیت پایگاه داده ها Oracle
- متخصصین پایگاه داده Oracle مسلط به مفاهیم، Configuration، IndexManagement، Indexes، QueryOptimization، Backup، Restores، Performance، tuning، Patching
- متخصصین و مشاورین خبره در زمینه طراحی و اجرای سامانه های هوش تجاری (BI) مبتنی بر ابزار Oracle BusinessIntelligence (OBIEE)، StagingArea، DataWarehouse
- متخصصین و مشاورین خبره مسلط به OracleGoldenGate
- متخصصین و مشاورین خبره در زمینه مدیریت، راهبری و امنیت بکارگیری سامانه های خادم کاربر در (ApplicationServer) مبتنی بر OracleWebLogic
- متخصصین و مشاورین خبره مسلط به تنظیمات WebLogic، EnterpriseManagement tools Monitoring
- طراح و برنامه نویس Java8 مسلط به ، JavaScript، Html، Hibernate، Spring، JQuery، Jsf، J2EE آشنای با مفاهیم بانک اطلاعاتی اوراقل و معماری ServiceOriented و همچنین ابزارهای گزارشگری (CrystalReport)
- طراح و برنامه نویس Java8 مسلط به مفاهیم تست، JMeterMockTest، UnitTest آشنای با مفاهیم بانک اطلاعاتی اوراقل و معماری ServiceOriented.
- برنامه نویس مجرب و متخصص در زمینه وب (WebPrograming)، معماری WebForm، مسلط به C#، VB.Net، Asp.Net، HTML&CSS، آشنایی کامل به
- متخصص و ممیز سیستم مدیریت امنیت اطلاعات (ISMS) دارای سابقه در ممیزی و سر ممیزی سیستم مدیریت امنیت اطلاعات

این دعوت به همکاری صرفاً جهت بکارگیری در پروژه‌های طرح جامع مالیاتی بوده و به منزله دعوت به استخدام محسوب نمی شود و هیچگونه تعهد استخدامی برای سازمان ما امور مالیاتی کشور به وجود نمی آورد. متقاضیان واجد شرایط یبایستی اعلام آمادگی کتبی خود جهت همکاری در یک یاچندبند از بندهای این دعوت‌نامه به همکاری (با ذکر شماره بند یا بندهای مربوط) به همراه خلاصه سوابق تحصیلی، تجربی و مربوط را، حداکثر تا پایان وقت اداری روز ۱۳۹۸/۰۳/۲۵، به صورت حضوری یااز طریق پست پیشتاز به نشانی: تهران، کدپستی: ۱۵۵۳۳۱۳۵۱۱، خیابان خورشهر، روبروی خیابان شهیدعربعلی، سناد طرح جامع مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور و یا هر دو سندر ا به صورت الکترونیکی و با قالب PDF به نشانی الکترونیکی Info@Taraprogram.ir ارسال و تحویل نمایند. از متقاضیان واجد شرایط جهت طی مراحل بعدی و نهایتاً همکاری دعوت به عمل خواهد آمد.

**روابط عمومی سازمان امور مالیاتی کشور**





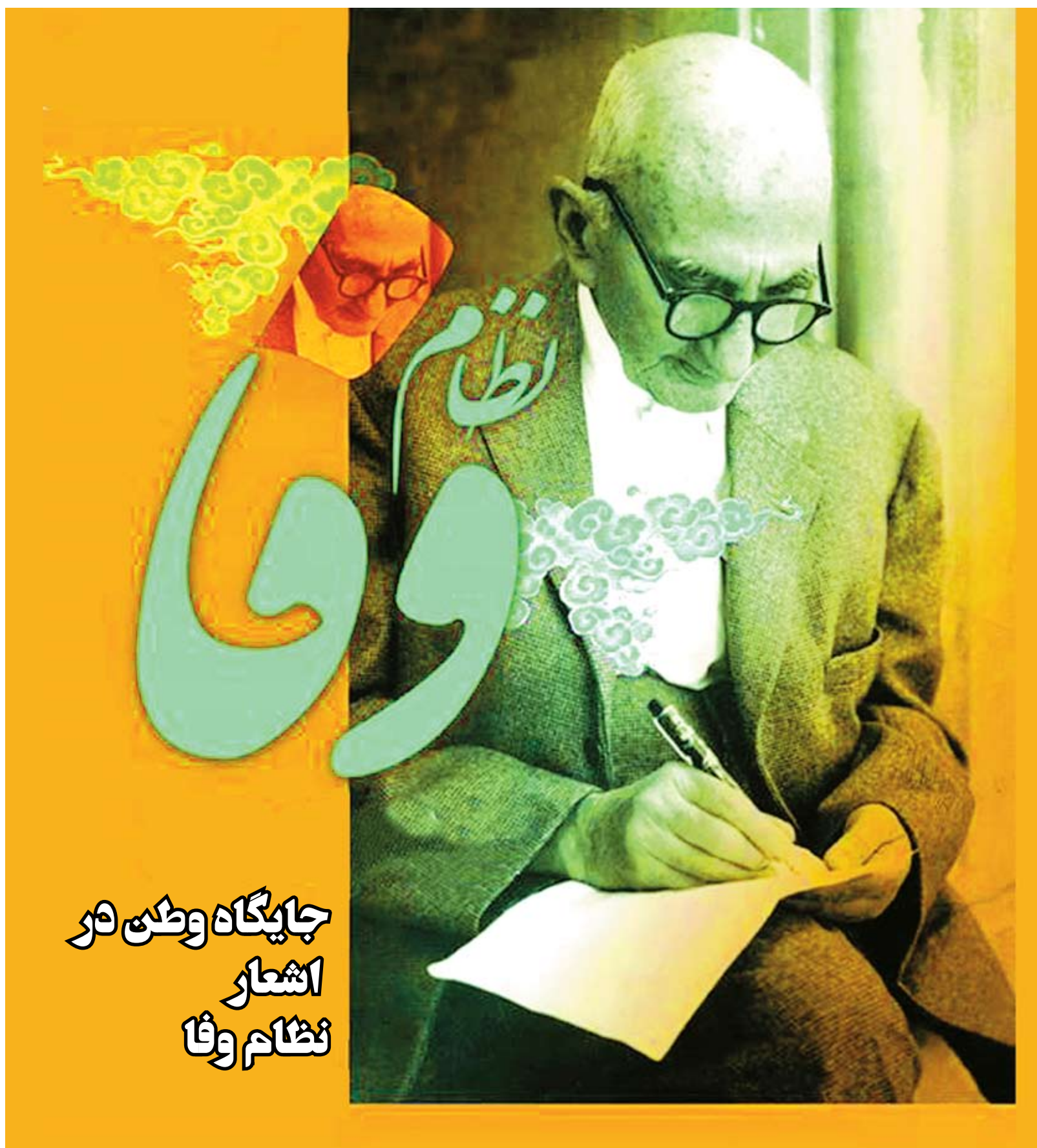
تأسیس نخستین  
استودیوی رادیویی



۴۹۵

ضمیمه ادبی هنری روزنامه اطلاعات

سه‌شنبه ۲۱ خرداد ۱۳۹۸ - سال نودوسوم - شماره ۲۷۳۰۱



جایگاه وطن در  
اشعار  
نظام وفا





● محمدرضا حیدرزاده

نگاهی به رمان «ماه‌تی تی»، نوشته آزاده عزیزان

## وقتی شمع زندگی آب می‌شود

او که در نوزادی مادرش را از دست داده بود، هیچ شناختی از او نداشت تا اینکه در این سفر با آمدن پدرش به روستا، از او می‌خواهد تا چگونگی ازدواج و مرگ مادرش را بگوید. توسکا پس از صحبت‌های پدرش متوجه می‌شود که نامادری اش، دوست صمیمی و نزدیک مادرش بوده و همین آگاهی باعث می‌شود رابطه اش با نامادری که تا آن لحظه بسیار نزدیک و عاطفی بوده رو به سردی بگذارد و به او بگوید: چقدر راحت همه چیز دوستت را صاحب شدی. هر چیزی که صنوبر داشت مال خودت کردی. خونه خودت. شوهر خودت. توسکای خودت....

در این رمان می‌خوانیم: آه سردی از اعماق قلبم بیرون فرستادم. خسته و ناامید از پیدا کردن

بی بی گل بانو، روی مبل وا رفتم. مسیر دانشگاه تا خانه را با سرعت سرسام‌آوری رانندگی کرده بودم تا هر چه زودتر خودم را به آغوش گرم و مهربان او بسپارم. آغوشی که بوی مادر نداشته ام را می‌داد و حس امنیت و آرامش می‌بخشید.

نگاه مغموم دایه ام «ماه طلعت» و دستپاچگی اش مرا دچار تردید کرده بود، اما باز هم وجب به وجب خانه را به دنبال او زیر پا گذاشته بودم و حالا دیگر به این یقین رسیده بودم که باز هم بی‌خداحافظی رفته است.

سرم را به پشتی مبل تکیه داده و نگاهم را به گچ بری‌های سقف که دایره‌های تودرتوی کوچک و بزرگی را به نمایش درآورده بود، دوخته بودم. زندگی بدون حضور بی بی برای من درست شبیه نفس کشیدن در شب‌های جنگل بود. انگار به جای اکسیژن، مجبور بودم دی‌اکسید هوا را ببلعم.

وقتی ماه طلعت لیوان شربت آلبالو را به دستم داد بغض کرده گفتم:

– می‌بینی ماهی جان. بازم حسرت به خداحافظی رو به دلم گذاشت. بازم نیومده رفت. با این که شبنم جون و امیر علی نبودن بازم اینجا دووم نیاورد....

فردای آن روز وقتی شبنم و امیرعلی از راه رسیدند، دانستم که پدر بی‌معطلی آنها را از رفتن بی بی مطلع کرده است. با این که از زور دل‌تنگی هر لحظه بغض گلویم را می‌فشرد، اما به آنها نیز حق می‌دادم. یک ماه مدت کمی نبود که شبنم دوری از همسر و خانه اش را به خاطر آرامش بی بی به جان خریده بود....

هنوز نوزاد بودم که مادرم از دنیا رفته بود و از او تنها یک آلبوم عکس و دو تابلوی روی دیوار اتاقم برجای مانده بود که پناه لحظات سرد تنهایی ام بودند.

باز هم گریه مجال حرف زدن را از بی بی گرفت. از روز گذشته که بی بی شروع به تعریف کردن گذشته کرده بود، تکیده تر به نظر می‌رسید و زیر چشمانش بیشتر گود رفته بود. بی‌خوابی و آشفتگی را می‌توانستم در کنار حقایق تلخ گذشته اش در نی‌نی چشمانش ببینم.

با این که وجودم لبریز از حس کنجکاوی و شوق دانستن ادامه ماجرا بود، اما بیش از این راضی به آزار بی بی نبودم. می‌دیدم با هر جمله‌ای که می‌گفت، مثل شمع آب می‌شد. بنابراین، التماس گونه نگاهش کردم و با لحنی پر از پشیمانی گفتم:

– بی بی جونم، ای کاش از تون نمی‌خواستم تا برام از گذشته‌تون بگین. اصلاً فکر نمی‌کردم این همه خاطره تلخ توی دلتون داشته باشین.

بی بی با مهربانی دست نوازشش را به سرم کشید و گفت: – این درد از همون روزا توی قلب من عین یه غده چرکی پنهون شده. چه ازش بگم، چه نگم، همیشه همراه منه. روزی نیست که به گل بوته و بلایی که سرش اومد، فکر نکنم و باعث و بانی همه این درد و رنج من فقط یه نفره. اون بهادرخان ملعون....

نام بهادرخان را چنان با غضب و کینه ادا کرد که من و ماه طلعت ناخودآگاه نگاه بهت زده مان در هم گره خورد.

بی بی آخرین جرعه چایش را که سر کشید، جوری که انگار داشت با خودش حرف می‌زد گفت:

– پدرم و شیرعلی با نوکرای بهادرخان درگیر شده بودن، اما نتونسته بودن خود ملعون شو گیر بیان. آقا جونم در حالی که به لوله تفنگش تکیه داده بود، لبه حوض نشسته بود و بی صدا اشک می‌ریخت. دردی رو که توی سینه اش بود، می‌تونستم از شدت تکونی که شونه هاش می‌خورد، حس کنم.

شیرعلی روی اولین پله نشسته بود و شهربانو با یه دستمال نم‌دار گوشه لیشو که ترکید بود، پاک می‌کرد. منم ساکت و صامت، یه گوشه نشسته بودم و فقط گوله گوله اشک می‌ریختم. خونه مون شده بود عزا خونه. از خودم متنفر شده بودم. حاضر بودم این اتفاق برای من می‌افتاد، اما برای گل بوته مظلوم و معصوم نمی‌افتاد....

\*\*\*

رمان «ماه‌تی تی»، نوشته آزاده عزیزان، از انتشارات آئی‌سا به بازار کتاب آمده است. نویسنده در این رمان، خواننده را با خود از تهران به روستایی در شمال می‌برد و قصه سرنوشت و رنج مادر بزرگی را شرح می‌دهد که گویی با سرنوشت دختری که راوی داستان می‌باشد عجین شده است:

پیرمرد با صدای به بغض نشسته اش گفت: خدا صبر بده ماه تی تی....

نگاهش کردم. هنوز قطرات اشک روی صورتش نشسته بود. گفتم اسم من توسکاست، نه ماه تی تی.

با فشردن پلک هایش گفته ام را تایید کرد و در حالی که سرش را تکان می‌داد گفت:

– می‌دونم، اون نگاه شو توی چشمای تو جا گذاشته ماه تی تی.... آزاده عزیزان متولد ۱۳۵۹ در «آبکنار» بندر انزلی است. او در کودکی در میان انبوه کتاب‌های پدرش غرق می‌شد و سودای نوشتن در سر داشت. پس از ورود به دانشگاه، نخستین رمان خود را با نام «عشق و ایمان» نوشت که هنوز منتشر نشده است. اما دومین رمانش با نام «ترنم باران» در سال ۹۷ منتشر شد. او رمان «ماه تی تی» را در نمایشگاه کتاب امسال عرضه کرد و حالا در انتظار انتشار رمان دیگری با نام «معشوقه» است.

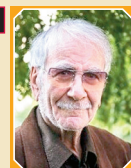
رمان «ماه تی تی» درباره دختری به نام توسکا است. او در کودکی مادرش را از دست می‌دهد و پدرش با دختر دیگری ازدواج می‌کند. رابطه صمیمانه‌ای میان توسکا و نامادری برقرار می‌شود. پس از تولد فرزند تازه نامادری، توسکا از داشتن برادر کوچکش به شدت خشنود می‌شود. توسکا پس از پایان دبیرستان، در رشته پزشکی قبول شده و راهی دانشگاه می‌شود. در اوایل تابستان به همراه دایه اش به روستایی در شمال که زادگاه مادرش است می‌رود.



با دکتر دینانی در جهان مولانا

کیمیای عشق

کریم فیضی



## تعامل و تبادل

او همه‌گونه انسان دیده و همه‌گونه کتاب‌ها را خوانده است. درگیر بوده و گفتگو و داوری کرده است. او با بدحالان همدردی و همفکری کرده و همراهشان بدحال شده است. با خوشحالان هم خوشی کرده است.

بازگشت سخن به تجربه است و جهان‌دیدگی. نتیجه این تجربه و جهان‌دیدگی و آزمون و دادوستد، این است که:

هر کسی از ظن خود شد یار من / وز درون من نجست اسرار من درست است. میان انسان‌ها همیشه تعامل و تبادل برقرار است. هر انسانی، چیزی به انسان‌ها می‌دهد و چیزی دیگر می‌گیرد. مولانا از این قاعده مستثنی نیست. به همین جهت می‌گوید: هر کسی از ظن خود شد یار من! این حرف قابل تأمل است، چون هیچ کس درباره دیگری یقین ندارد و درک و دریافت و برداشت از حدس و ظن و گمان فراتر نمی‌رود. علتش هم این است که هیچ کس به سر سویدای هیچ کس راه ندارد.

انسان‌ها نسبت به هم برداشت دارند. این برداشت همیشه از روی ظن و حدس است. کسی به حقیقت و سر سویدای دیگری علم ندارد. همه از روی ظن و گمان یار انسان می‌شوند و کسی از درون انسان را از او را نمی‌جوید. اینکه مولانا می‌گوید: وز درون من نجست اسرار من، منظورش این است که این کار ممکن نبود و کسی نمی‌توانست این کار را بکند!

بحث، خواستن نیست، نتوانستن است و نه تنها درباره مولانا که درباره هر انسانی صادق است. در جایی خواندم که وقتی جرج جرداق مسیحی کتاب «الامام علی صوت العدالة الانسانیة» را نوشت، جهان تشیع از این اقدام بسیار استقبال کرد و چندین عالم و مرجع و دانشمند و فقیه شیعی از او تجلیل کردند و نامه‌ها نوشتند و غالباً می‌پرسیدند که: تو به عنوان یک مسیحی چگونه توانسته‌ای به اسرار و دقائق شخصیت علی (ع) راه پیدا کنی و جرداق جواب داده بود:

**نه تنها من که هیچ کس نمی‌تواند به اسرار هیچ کس دیگری دست پیدا کند، چه برسد به اسرار و درون علی (ع)؟**

درست است. در یک کلام اسرار درونی انسان را جز خداوند، هیچ کس نمی‌تواند بفهمد. احدی به درون انسان راه ندارد. جز علام‌الغیوب احدی به درون راه نمی‌یابد و آنچه امروزه روان‌شناسان و روانکاوان می‌گویند، بی‌اصل و اساس است.

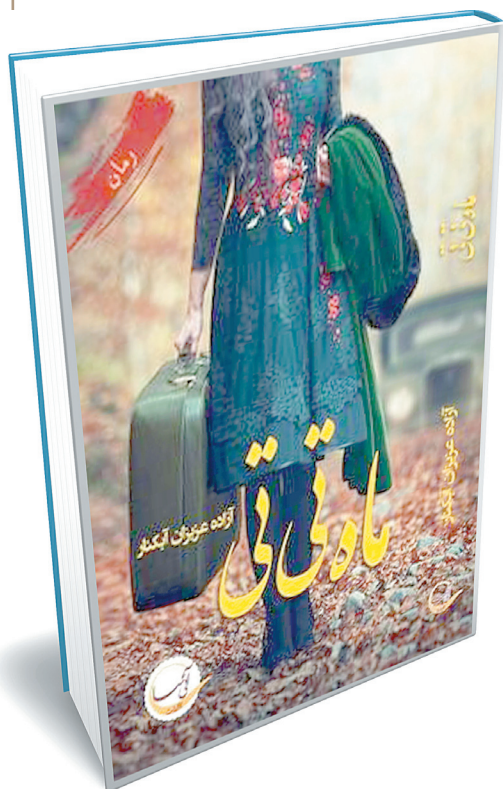
**بله، روان‌شناسان از روی رفتار انسان را ملاحظه می‌کنند و مطالبی را کشف و استخراج می‌کنند ولی این چه ارتباطی به درون انسان دارد و چگونه می‌توان از رفتار به سر سویدای آدمی رسید؟ مگر سر سویدا به رفتار و گفتار می‌آید و در حد افعال و کردار تنزل و تقلیل پیدا می‌کند؟ آیا سر درون تقلیل‌پذیر هست؟ درون ما در رفتار و گفتار مان منعکس می‌شود ولی آیا این ظهور درون است؟ آیا سر سویدا، در رفتار ظاهر می‌شود یا آنچه به آن نیاز داریم یا مصلحت می‌دانیم؟**

یا آنچه که اجازه می‌دهیم در قالب رفتار و گفتار ما ظهور پیدا کند؟

راحتم کردید با این حرف. انسان تا اجازه ندهد، چیزی در رفتار او ظهور پیدا نمی‌کند که حالا یا از روی نیاز است یا مصلحت یا هر چیز دیگری از نوع خواسته‌هایی که انسان دوست دارد او را به آن صورت ببینند و بشناسند، ولی اینها کجا و سر سویدا کجا!

سر سویدا نه ظاهر می‌شود نه تقلیل پیدا می‌کند و تا ابد مکتوم می‌ماند. اشارات مولانا به این است. می‌گوید: هر کسی از ظن خود شد یار من و مردم مرا شناختند ولی کسی از راز درون من، آگاه نشد و نتوانست چیزی بجوید. سر درونی انسان چنان مکتوم است که شاید خود انسان هم نتواند آن را دریابد، مگر با عالم حضور. با عالم حصول امکان چنین چیزی نیست و سر سویدا را نمی‌توان به مفهوم درآورد، اما در عالم حضور، انسان «من» است و غیر من نیست اما شاید خودمان هم نتوانیم آن را به مفهوم دریابوریم.

ادامه دارد







دلوخته های آهان آهان دار

محبوب صالح علا

۲۵

## هر روز عازم شمایم!

یاد تو که می‌رسد، نسیمی از پشت پلک‌ها می‌وزد. یاد تو که می‌رسد، هزار پنجره باز می‌شود. همه عالم گوشه ابروی توست. یاد تو که می‌وزد و یاد تو را پراکنده می‌کند. زیبایی وصف نگاه توست.

**محبوب!** آه هم از اشیاء گفت و گوشت.

**محبوب من!** یاد تو در شهرها، خیابان‌ها و کوچه‌هاست. یاد تو در میدان مولوی است. عشق تو باروت است و تن من کبریت.

در خواب‌ها شما را نگاه می‌کنم و از صورت‌تان سیر نمی‌شوم.

هر روز عازم شمایم و از پاهایم می‌پرسم: شما کجا می‌روید که این همه بی‌قرارید؟

شما در رؤیاهای من شاهی می‌کنی؛ بر تخت رؤیاهای من نشسته‌ای؛ فرمان می‌دهی و نگاه از چشمانت مانند شانه عسل قطره قطره می‌چکد.

من از ذریه عشقم؛ هر چه دارم می‌شمارم. چشم‌ها، ابروها، مژه‌ها، دندان‌ها و استخوان‌هایم را می‌شمارم. تو که نیستی مثل آب ریخته‌ام؛ چیزی فنا شده.



**محبوبیم!** عازم توام. گاهی پاهایم را گم می‌کنم. گاهی نمی‌توانم بروم؛ پاهایم خواب رفته‌اند و پهای خوابیده به فریاد نگرند بیدار.

من فقط تو را بلدم. کارم تویی. سرزنشم می‌کنند. می‌گویند عاشق به هلاک خویشتن مشغول است. باشد، من تنها راه تو را بلدم. بگذار بگویند من طعمه عشق شما شده‌ام.

**محبوبیم!** با تو گفت و گو می‌کنم و به قول شوکت یزدی: عاشقی حرف بد و خوب شنیدن دارد. به قول سودابه فضائی از کف دستانم مرغان عجب رویند.

**محبوبیم!** لطفاً شباهنگام به آسمان نگاه نکن. آسمان و ستاره‌ها در انتظار تواند. بالا را نگاه می‌کنی، آنها چشمک می‌زنند و من خودم، خودم را می‌خورم. چه خود خوردنی؛ با نوک قاشق نمک و فلفل و کمی نگاه.

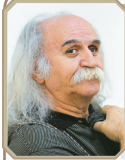
**محبوبیم!** به خاک نگاه کن؛ به من، به پایین نگاه کن. راز مرا همه فهمیده‌اند. کاش راز مرا بر صخره‌های سنگی و سخت بنویسند تا بعدی‌ها بدانند من چگونه عاشقی بوده‌ام. خوشا به حال کوه‌ها که دلشان از سنگ است.

**محبوبیم!** لطفاً به بالا نگاه نکن. چشمان شما ستاره‌ها را مثل من هلاک می‌کند که وقتی به من نگاه می‌کنی، چون پیراهنی نازک در مسیر بادها سرگردانم.

**محبوبیم!** عاشقی حالتی کمیاب است، اما هیچکس از آن محروم نیست.

دیگر تنهایی از مُد افتاده، تنهایی حالتی است مربوط به انسان دیرینه‌سال. تنهایی یک چیز قدیمی و متروک است. باید در جمع باشی تا خوشتنت را به دست بیاوری.

**محبوبیم!** کسی که تنهاست موجودی عمیقاً قدیمی است. حالا دیگر انسان تنها قهرمان نیست، که دیگر تنهایی دلایل اخلاقی ندارد. حالا دیگر فضیلت انسان در با هم بودن است.



• حسن فرازمند

## واکوی سرگذشت واقعی رادیو در ایران - ۵

## تأسیس نخستین استودیوی رادیویی

بی‌سیم به یادگار باقی است، افتتاح شد. رادیو از نخستین روزها با حدود هشت ساعت و نیم برنامه در شبانه روز آغاز به کار کرد و برنامه‌های آن در دو بخش جداگانه بدین شرح پخش می‌شد:

بخش اول از ساعت یازده و نیم تا دو بعد از ظهر

بخش دوم از ساعت پنج تا یازده بعد از ظهر

برنامه‌های رادیو به صورت زنده پخش می‌شد و علاوه بر برنامه‌های فارسی، اخبار به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، آلمانی، عربی، ترکی و روسی هم بود و پخش موسیقی ایرانی و غربی نیز بخش عظیمی از برنامه‌های رادیو را تشکیل

در شماره‌های گذشته، سابقه‌ای از چگونگی آشنایی مردم با پدیده‌های صوتی مثل گرامافون نو ششم و این که مردم ایران تا قبل از تأسیس رادیو در کشور از هر حیث با این پدیده آشنا بودند و این نکته که مورخان درباره رادیو به تأکید گفته‌اند که: «رادیو ۲۰ سال پس از برقراری و شروع بکار اولین ایستگاه‌های رادیویی در دیگر نقاط جهان، وارد ایران شد» به واقعیت تأسیس و پاگرفتن منابع و تجهیزات رادیویی در ایران نزدیک تر است و مدارک معتبری هم حکایت دارند که نخستین ایستگاه فرستنده بی‌سیم کشور در ساعت ۳ بعد از ظهر ششم اردیبهشت ماه ۱۳۰۵ شمسی شروع بکار کرد این فرستنده با ۲۰ کیلو وات دکل ۱۲۰



می‌داد، همراه با پیشرفت و گسترش رادیو در پایتخت، در شهرستان‌ها نیز زمینه ایجاد تأسیسات رادیویی فراهم شد. در سال ۱۳۲۶ اولین فرستنده رادیویی شهرستان‌ها در تبریز گسترش یافت و به تدریج فرستنده‌های دیگری در ارومیه، اهواز، شیراز، کرمانشاه، مشهد، کرمان، اصفهان، سمنجان، زاهدان، رشت و گرگان ایجاد شد.

از تیر ماه ۱۳۳۹ مدت پخش برنامه‌های رادیو ایران به ۲۴ ساعت رسید و در همین سال برنامه دوم رادیو در تهران آغاز شد. نخستین فرستنده اف ام نیز در آبان ۱۳۴۶ در تهران شروع به کار کرد.

در سال ۱۳۵۰ قانون تشکیل سازمان رادیو

متر در تهران واقع بود.

همزمان با این کار، سازمانی به نام «سازمان پرورش افکار» زیر نظر وزیر فرهنگ به وجود آمد. کمیسیون رادیو که یکی از کمیسیون‌های این سازمان بود وزیر نظر و زیر داری و با همکاری گروهی از نویسندگان اداره می‌شد، موظف شد تا برنامه‌های مناسب برای پخش از رادیو تنظیم کند و به تصویب برساند تا در موقع گشایش رادیو استفاده شود.

روز چهارم اردیبهشت سال ۱۳۱۹ در واقع نخستین استودیو همراه با فرستنده رادیویی ایران در استودیوی کوچکی که اکنون در محل







دوستانی بهتر از آب روان  
خاطرات من و سهراب

دکتر حبیب‌الله مساعتی ۶۱

## جایگاه وطن در اشعار نظام وفا



به نام «ملا علی دربندی» ازدواج کرد که حاصل ازدواج آن‌ها، فرزندی به نام «رضا» است که در دوران حبس نظام وفا با ابتلا به بیماری آبله از دنیا رفته است.

همسر نظام پس از آزادی او از زندان، از همراهی او در سفر به تهران سرباز زد و ناچار نظام وفا پس از جدایی از همسرش، به تنهایی، برای همیشه به تهران رهسپار شد و برای همیشه شغل شریف معلمی پیشه کرد و در مدارس آلیانس، سن لویی، فلاحت و دانشکده کرج تدریس می‌کرد. نظام وفا در عین پرداختن به معلمی، بعد از ظهرها خود در مدرسه عالی آلیانس زبان فرانسه آموخت تا جایی که مهارت یافت متون فرانسوی را به زبان فارسی ترجمه کند. به دنبال آن نظام، بارها به کشورهای متعدد اروپایی سفر کرد و توانست با فرهنگ و تمدن غرب از نزدیک آشنا شود، ولی هرگز اصالت و ایرانی بودن خویش را فراموش نکرد. نظام تا پایان عمر خویش به تدریس و شاعری مشغول بود. از آثار چاپ شده وی می‌توان به: مجله وفا در یک دوره دو ساله، مثنوی حبیب و رباب، مثنوی معراج دل، آماج دل، پیوند های دل، پیروزی دل، یادگار سفر اروپا (سفرنامه)، حدیث دل (آخرین اثر شاعر)، مقالات ادبی، نامه‌های وی و نمایشنامه‌های ستاره و فروغ، فروز و فرزانه و برتر از همه غزلیات وی اشاره کرد. (مجموعه آثار استاد نظام وفا، عبداله‌و مسعودی آرانی، ص ۱۷-۶۵)

واژه «دل» یکی از پر بسامدترین واژه‌ها در اشعار نظام است. استاد سعید نفیسی در توصیف شعر و دلیل کاربرد فراوان این واژه نوشته است: «نظام هرچه می‌گوید، زاده ایمان او و عقیده راسخ او و ترجمان جان و دل اوست. نظام وفا از این گونه شاعران است.» (مجموعه آثار استاد نظام وفا، عبداله‌و مسعودی آرانی، ج ۱، ص ۱۲۷)

نظام وفا به دو شهر اصفهان و شیراز بسیار علاقه مند بود و هر ساله چند ماه از سال را در این دو شهر با دوستان بسیار نزدیک خویش می‌گذراند و خاطرات بسیار آموزنده‌ای از این دو شهر بزرگ در آثارش انعکاس دارد. در بیان جایگاه نظام وفا و والایی شعر ایشان، همین اندازه بس که «یحیی آرین پور» می‌نویسد: «شعر نظام وفا، گیرایی مخصوصی دارد و پاکیزه و بی‌عیب، آرام‌ده و ستایش بخش است، وقایع شعر کلاسیک را دقیقاً رعایت می‌کند و در قالب‌های معمول شعر فارسی، احساسی‌ترین مضامین را که در آغاز قرن ۱۹ میلادی، دل‌های مردم دنیای غرب را مسحور ساخته بود، بیان می‌کند... بزرگترین امتیاز شعر نظام وفا، شاید همان زبان ساده و بی‌تکلف اوست که هیچ گونه آب و رنگی ندارد...» (از صبا تا نیما، یحیی آرین پور، ص ۴۲۱)

### مقدمه:

نظام وفا در میان شاعران غزلسرای معاصر به دلایل متعددی همچون ذوق ادبی، شاعرانگی پدر و مادر، استعداد ذاتی، طبع نازک و سرشتی هنرین، تجربیات معلمی، حشر و نشر با ادیبان و شاعران نامور و نامدار معاصر و سفر به اروپا و کسب تجربه در این زمینه و آشنایی با مبادی و مبانی اصول مکتب رمانتیسم، جایگاهی ویژه و بنیادین داشته است تا جایی که تحسین بزرگانی همچون استاد سعید نفیسی را برانگیخته است. و اگر چه از لحاظ سبکی و فکری ویژگی‌هایی همچون سهولت و روانی کلام و سلاست و سلامت و سهولت معانی، صدق گفتار، احساسات و عواطف نازک و اندیشه‌های والا و کلامی آرامبخش، او را شاعری توانا و برجسته نشان داده است، اما غور و تعمق ریزبینانه در آثار این شاعر نشان می‌دهد که وطن و ایران و ایرانی در شعر او جایگاهی والا و بالا دارد. در این مقاله، پس از بیان شرح مختصری از زندگی استاد نظام وفا، جایگاه وطن، ایران و ایرانی با ذکر شواهد و مصادیق از ابیات دیوان وی، مورد بررسی قرار گرفته است.

### معرفی نظام وفا

زنده یاد نظام وفا در بیست و یکم فروردین ماه ۱۲۶۷ شمسی (سوم رمضان المبارک ۱۳۰۶ ه. ق) در خانواده‌ای متدین و شاعر مسلک در محله دربند شهرستان آران و بیدگل به دنیا آمد. نیای نظام وفا، ملا احمد امام و پدرش محمود وفا فرزند مجتهد نامی و از اجله علمای دوره فتحعلیشاه بود که علاوه بر درجات معرفت و حکمت، صاحب کرامات بسیاری نیز بود و هنوز مُمَرَّان شهرستان آران و بیدگل از پدران خویش، از کرامات نیای نظام وفا حکایت‌ها نقل می‌کنند.

از ملا احمد (نیای نظام وفا) تألیفات می‌همچون «دبستان واعظین و گلستان فاخرین» که تفسیر عرفانی سوره مبارکه یوسف است و نیز «سحاب‌الامطار» در تاریخ زندگانی اهل بیت (علیهم السلام) و کرامات آنها به یادگار مانده است. پدر نظام وفا- میرزا محمد محمود امام جمعه آرانی- شاعر، فقیه و مفسری بلندمرتبه و مادرش هم شاعری خوش ذوق، به نام «منور» بود که «حیا» تخلص می‌کرده است و طبیعی است که شاعر خوش ذوق، نظام وفا، لطافت و ظرافت کلام و شعر و طبع روان خویش را از ایشان به ارث برده است.

نظام وفا از دوران کودکی، تحت تعلیم معلمی خانوادگی، تحصیلات خویش را شروع نمود و سپس به کاشان رفت و در حلقه درس مجتهد مرحوم سید رضا پشت مشهدی، فقه و کلام و در نزد میرزا محمد علی آقا جمال طبیب، طب قدیم را آموخت.

به دنبال آن در سال ۱۳۲۴ سال اول مشروطه، در مدرسه علمیه مرحوم علی نراقی تحصیلات خود را آغاز کرد و تحت تعلیمات «غلامرضا معارفی» که از روشنفکران به نام دوران خود بود، با سیاست آشنا شد و با هم قسمی با دوستان خود بنای مبارزه علیه حاکمان ستمگر روزگار خویش و با هدف حفظ استقلال و امنیت کشور را نهادند و از آنجا که تحت پیگرد مأموران حکومتی قرار گرفتند، به همراه دوستان خویش به تهران رهسپار شدند، اما نظام در تهران دستگیر شد و در زندان باغ شاه زندانی گردید. او سرانجام با وساطت یکی از شاگردان قدیمی پدرش که در آن زمان پیشکار ولیعهد بود، آزاد شد.

نظام وفا به درخواست پدرش با دختر مجتهدی

من چنین جسارتی نکردم ولی چون آن تابلو قسمت من بود، توسط خواهر والا تبارش به من هدیه شد که از این بابت از همه منسوبان عزیز سهراب تشکر می‌کنم. ۲) پرسیدند شما چه نسبتی با سهراب دارید که او برای دیدار شما به گالری آمد؟ چون سهراب هیچگاه به گالری نمی‌آید. در دو مرحله نمایش تابلوهایش علیاحضرت شهبانو تشریف آوردند، اما سهراب نیامد! به روزگاری که همه نامداران و بعضی قلم به‌دستان زمانه، دست‌بوس و کرنش کن سلطان‌ها و سلطان‌ها بودند؛ هیچگاه از سهراب نشنیدم که اظهار کند شهبانو به نمایشگاه من آمد و من نرفتم!»

سهراب در عین حال بسیار متواضع و فروتن بود. در یادداشت‌های خانم پریدخت سهری می‌خوانیم که: «از خصوصیات بارز اخلاقی سهراب، تواضع اوست. در سلام گفتن بر همه پیشی می‌گرفت. می‌توانست با هر کس به زبان او و در خور فهم او صحبت کند. هرگاه به منزل ما می‌آمد، پیش از آنکه به سراغ جمع برود، به آشپزخانه، نزد ننه پیر مستخدم منزل می‌رفت، سلام می‌داد و حالش را می‌پرسید و مدتی با وی به گفت و شنود می‌پرداخت و آنگاه به جمع مهمان‌ها می‌پیوست. در برخورد با بچه‌ها، به دوران بچگی باز می‌گشت. قایم باشک بازی می‌کرد و گاه رقص هولاهوپ را که حلقه‌اش را خود برایشان خریده بود، به آنان می‌آموخت.»

سهراب، نه تنها در کارهای هنری‌اش، که در امور روزانه‌اش هم دقیق، مرتب و منظم بود. نامه‌هایی که در اوان نوجوانی‌اش برای دوستان نوشته، همه گواهی صادق بر این مدعاست.

خط زیبا، انشای شیرین و صحیح، نقطه‌گذاری‌های دقیق و ذکر تاریخ در پایان نامه، همه شاهدی بر نظم و دقت اوست.

### مرغ مهاجر

«مرغ مهاجر» عنوانی است که خانم پریدخت سهری خواهر ارجمند سهراب بر او نهاده و کتاب بسیار جالبی هم با همین عنوان در شرح حال برادر تدوین و منتشر ساخته است. راستی را که سهراب چنان پرنده‌ای بود که همواره هوای پرواز داشت. در عمر کوتاه خود به بیشتر کشورهای و شهرهای مهم دنیا سفر کرد و آثار هنری آنها را بررسی نمود؛ از جمله: پاریس، لندن، رم، مونیخ، مادرید، آمستردام، فلورانس، ونیز، توکیو، دهلی، آگرا، بمبئی، بنارس، کشمیر، لاهور، پیشاور، کابل، نیویورک، لانگ آیلند، مصر و یونان.

بنابراین می‌توان گفت که از شرق و غرب دنیا دیدن کرده و تجربه‌ها اندوخته است. گفته‌اند:

«بسیار سفر باید تا پخته شود خامی» و آنگاه که پخته‌ای بسیار سفر کند، دست‌آوردهایی دلپذیر خواهد داشت؛ آنچنانکه سهراب به ما نشان داد.

### دور از تظاهر

جالب است آنکه امروز در اوج قله شهرت و محبوبیت قرار گرفته، هیچگاه کوشش نکرد تا به نحوی خود را مطرح کند. بسیار دیده‌ایم کسانی را که به انواع و اقسام وسایل متشبه شده‌اند تا در جامعه مطرح باشند و از آنان با عناوین «هنرمند فرزانه» و «استاد والامقام» نام ببرند.

خانم پریدخت در یادداشت‌هایش می‌نویسد: «سهراب دعوت روزنامه‌ها و مجله‌ها را برای مصاحبه نمی‌پذیرفت. در روز افتتاح نمایشگاه‌هایش، چه نمایشگاه انفرادی و چه گروهی، شرکت نمی‌کرد؛ زیرا صاحبان گالری‌ها از شخصیت‌هایی دعوت به عمل می‌آوردند و سهراب می‌گفت: آنها برای دیدن کارهایم می‌آیند، با من کاری ندارند.

ادامه دارد

### • علی خوشه چرخ آرانی

سرانجام نظام وفا در اول بهمن ماه ۱۳۴۳ و مطابق با ۱۸ رمضان ۱۳۴۸ قمری بر اثر بیماری سکتة مغزی از دنیا رفت. مدفن وی در صحن زیارت حضرت عبدالعظیم است. وزرای آموزش و پرورش، کشاورزی، فرهنگ و هنر، مدرسه عالی دختران، دانشکده کشاورزی کرج، موسسه عالی هنرستان و بسیاری از نهادها و سازمان‌های دولتی، فرهنگی وقت کشور مرگ وی را ضایعه‌ای عظیم برای جامعه علمی و ادبی کشور و محافل ادبی و شعر ایران دانسته‌اند و یا برگزاری مجالس سوگواری و تجلیل از وی، قدرشناسی خود را نسبت به وی ابراز نمودند. علامه فقید، جلال الدین همایی قطعه زیر را در ماده تاریخ فوت وی سروده است:

پیر دیر ادب نظام وفا

که چنو شاعر بنام نبود

در هنرمندی اش خلاف نرفت

در سخن دانی اش کلام نبود

سال‌ها در معلمی بگذاشت

که جز ایشان هوا و کام نبود

مرغ روحش شد از جهان آزاد

گرچه اینجا اسیر دام نبود

در صف دوستان صاحب دل

بود امت اگر امام نبود

هوس جاه و مال و رتبه نداشت

طالب منصب و مقام نبود

کس چو او پیش دانش آموزان

مورد عزّ و احترام نبود

بهر تاریخ او همایی گفت

که یکی در وفا نظام نبود

(دیوان سنا، جلال الدین همایی، ص ۱۲۰)

لازم به ذکر است که بالغ بر دوازده دختر از دست‌نوشته‌های چاپ شده و چاپ نشده استاد نظام وفا در حال حاضر در اختیار دوست فرزانه و استاد فرهیخته اینجانب، استاد عبدالله مسعودی آرانی است. بزرگترین امتیاز، افتخار و خدمات نظام وفا در عرصه شعر و شاعری، افتخار استادی شاگرد نامور و نامدارش «نیما یوشیج» است.

نیما در آغاز شعر «افسانه» برای حفظ او در خاطره‌ها به نیکی و نیکنامی یاد می‌کند. «افسانه» قبل از چاپ از صافی ذوق و سلیقه نظام وفا استاد و مربی نیما گذشته و حذف و اصلاحات چندی در آن صورت گرفته بود. بنابراین، شاعر به پاس این خدمت که یقیناً در توفیق کم نظیرش بی‌تأثیر نبوده است، در سرلوحه منظومه افسانه این عبارت را جای داد: «به پیشگاه استاد نظام وفا تقدیم می‌کنم؛ هر چند که می‌دانم این منظومه هدیه ناچیزی است، اما او اهالی کوهستان را به سادگی و صداقت شان خواهد بخشید.» (چون سبوی تشنه - محمد جعفر یاحقی، ۷۴)

### وطن در شعر نظام وفا

نظام وفا از کودکی شعر می‌سرود؛ به گونه‌ای که در سن بیست و شش سالگی و به تصریح خودش، بیش از ده هزار بیت سروده بوده است مرا سال کمتر ز سی بود چار که بودم فزون شعر از ده هزار ایشان در موضوعات مختلف، از جمله آزادی، عفاف، دین، زن، انتقادهای سیاسی و اجتماعی و اندیشه‌های تعلیمی از قبیل توصیه به علم‌اندوزی، بی‌آزاری، پرهیز از ستم، دوری از کبر، آبروداری، نوگرایی و تجدد، دعوت به سادگی و ... شعر سرایی نموده است؛ ولی موضوع وطن از مفاهیم پرکاربرد و رایج در اشعار نظام است.

ادامه در صفحه ۵





خاطرات اجتماعی استاد امین‌الله رشیدی  
در عرصه آواز و موسیقی

## یک عمر خاطره

۱۳۶

و اما در مورد جستجوی خدا یا نفی و اثبات وجود او (که دکتر بدیع‌زاده جایگاه او را در نهانخانهٔ وجدان آدمی می‌دانست) سخن‌ها، آراء و عقاید فراوان و گوناگونی گفته‌اند و متفکرین جهان از اول خلقت تاکنون با این مسأله یعنی وجود خدا و ماهیت او مواجه بوده و هر کس به نیروی خیال و تصورات شخصی خود، صورتی از او ساخته و نشانی زان بی‌نشان خواسته‌است ولی در مقابل پرسش‌هایی در این زمینه، پاسخی که مورد قبول عقل و علم قرار گیرد، نیافته‌است و پس از تلاش‌ها و جستجوها، ریاضت‌ها و چله‌نشستن‌ها، سرانجام راه به جایی نبرده و سرکوفته برگشته‌است.

آخر بشری که با این عقل ناقص و درمانده، از حل کوچکترین و پیش‌پافتاده‌ترین مشکلات خود عاجز و ناتوان است، چرا باید در اینگونه معقولات دخالت کند؟... در جایی که خود پیغمبر - حضرت محمد که به عنوان عقل کل و هادی سبل مطرح و خود را فرستاده خدا (رسول‌الله) می‌داند، می‌فرماید: «ما عرفناک حق معرفتک»، یعنی - خطاب به خدا - می‌گوید: «من تو را آنطور که حقیقت شناسایی است، نشناختم». آن وقت این مدعیان پر مدعا - کاسه‌های داغ‌تر از آتش - چه می‌گویند؟!

بنابر آنچه گذشت، بنده چنین فکری می‌کنم که نیکوتر آن است که حضرات مدعیان در باب «خداشناسی» دم فرو بندند و در این راه، سر به دیوار پولادین نکوبند و این گفته رند عالم سوز، حافظ را به یاد داشته باشند که:

در کارخانه‌ای که ره علم و عقل نیست

و هم ضعیف رأی فضولی چرا کند؟

یا:

ای دل به سراپردهٔ سلطانت چه کار

کاری که نه در حد تو، با آنت چه کار؟ گاهی به این فکر اندر می‌شوم که آیا بعد از مرگ، به‌طوری‌که گفته‌اند، زندگی دیگر خواهم داشت و در دنیایی دیگر به دیدار کسانی که دوستشان داشتم، پدر و مادر، دوستان خوب، بزرگان عالم ادب و فلسفه و هنر نائل خواهم شد؟

اما چون جوابی مستدل و منطقی و علمی به این پرسش نمی‌یابم، پاک مأیوس و ناامید می‌شوم و از این توهم بیرون شده و به گفته‌ها و آراء متفکران بزرگی همچون حکیم عمر خیام می‌اندیشیم: «هر سبزه که پژمرد نخواهد بشکفت» یا «باز آمدنت نیست، چو رفتی، رفتی» یا «آمد شدن تواند این عالم چیست؟ آمد مگسی پدید و ناپدید شد!»

### دنیای سعدی

سالها پیش، یعنی حدود ۵۵ سال قبل (۲۹-۱۳۳۸ شمسی) نویسنده و مترجمی با نام مستعار «ام. دوزال» شرحی مفصل دربارهٔ ضیافتی مجلل و باشکوه، اما تخیلی در اطلاعات ماهانه (از نشریات روزنامه اطلاعات) نوشت که من تصور می‌کنم ترجمه از یک منبع اروپایی بود. صاحب و برگزارکنندهٔ این ضیافت عجیب، از هر یک از کشورهای جهان، نایب‌های مشهور در ادبیات و هنرها انتخاب و از آنان برای حضور و شرکت در این ضیافت، دعوت به‌عمل آورده بود. فی‌المثل از انگلستان «شکسپیر» از آلمان «گوته» از ایتالیا «داوینچی» از فرانسه «ولتر» و همین‌طور از سایر کشورها و هر یک را با عنوانی خاص و اما از ایران، شیخ مصطفی‌الدین سعدی را به عنوان «انسان کامل» برگزیده و بدین ضیافت کم‌نظیر فراخوانده بود و مقدر هم درست و بجای.

در اینجا من بر آن نیم که به شیوهٔ متقدمان تذکره‌نویس دربارهٔ سعدی جمله‌سازی و عبارت‌پردازی کنم که در حد من نیست و دیگران، اگر چه کمی از بسیار - ذکر جمیل سعدی - را در مقالات و کتاب‌ها آورده‌اند و آنچه این بنده از آن معلم بزرگ اخلاق و آزادی می‌نویسم، داده‌هایی است که از او گرفته و فضائی است که در مکتب او آموخته‌ام. ادامه دارد

در بیشتر تغزلات خود، به یاد وطن است و با وجود این که غزلیات خود را با موضوع و مضمون متعارف آغاز می‌کند، ولی یک باره در میان غزل معلوم می‌شود که معشوق او ایران است:

از دل نرفته‌ای تو اگر رفتی از نظر

ای گنج عشق جای تو ویرانه من است

خواهم نظام در ره میهن کنم نثار

خونی که در دل من و جانی که در تن است

### ایرانی در نگاه نظام وفا

نظام وفا از شاعران ناموری است که به ایران و ایرانی با نگاه احترام آمیز می‌نگرد و به ایرانی بودن خویش مباهات می‌ورزد:

نیاکان ما تاجداران بُدند

فروزنده خورشید کیهان بُدند

جهان را بدیشان بُدی اقتدار

جهان دار بودند و گیتی مدار

چُنینند مردان ایران نژاد

نژاد و بزرگان با مهر و داد

که هرگز نجویند جز سادگی

نگرند جز گرد آزادی

جوان مردی و مردمی پیشه‌اند

فروزند دل، پاک اندیشه‌اند.

ولی نظام هیچگاه چشم را به روی حقایق کشور نمی‌بندد و کم و کاستی‌های آن را هم با نگاه عمیق و ظریف خویش گوشزد می‌نماید:

در این دوره، مردانگی گم شده

جمادی به تر کیب مردم شده

نظام، اگرچه عاشق صلح و دوستی است و خشونت

و تندروی در ذات و در شعر وی جایگاهی ندارد، ولی

گاهی هم راه صلح را در میان جنگ می‌جوید:

ز صلح آن کسی بهره‌آرد به چنگ

که ندیشد از آتش و خون و جنگ

و نهایتاً این که جدای از اشعار وطنی که نظام غالباً

در بحر متقارب سروده‌است، یاد ایران هم در تغزلات او

فراوان است؛ مثلاً در قطعه‌ای می‌سراید:

ترس و نومیدی نباشد در سر سرباز ایران

در میان آتش و خون دل پر از نقش و نگارست

کی تواند پا در آن کشور نهد خصم سبک‌سر

کاندران هر سوی از تن‌های جانبازان حصار است

خاک دشمن را به باد نیستی دادیم آری

آتش جان خیانت پیشه، تیغ ابدارست

و یا در قطعه‌ای دیگر می‌سراید:

خوشم که بین یکی قوم پاک‌زاد و اصیل

نژاد و زندگی و مسکن و قرار من است

به پای باش و برومندای درخت وطن

که زیر سایه تو جاه و افتخار من است

### نتیجه:

- اگر چه کمی دور به نظر می‌رسد، اما عقاید و سخنان نظام وفا درباره مفهوم وطن و وطن پرستی می‌تواند در جرگه آموزه‌های تعلیمی و در حوزه قلمرو فکری سبک شناسی نظام وفا قرار گیرد. زیرا در نگاه او وطن به جز وجه اقلیمی - قومی و نژادی - وجه اخلاقی و مذهبی هم دارد و این وجه سوم از آموزه‌های نادر و بدیعی است که در شعر شاعران معاصر او کم‌تر یافت می‌گردد.

- در کنار مضامین و مؤلفه‌هایی همچون: جوانی، آزادی و پاکدامنی، صبر و بردباری، راستی و راست‌منشی، امیدواری و... که در منظومه نظام جایگاه دارند، اما او را می‌توان معلمی فرزانه دانست که در کسوت فرزاندی و شاعری همواره قلبش برای ایران و وطن خویش می‌تپد. به گونه‌ای که در اشعار وطنی او آموزه‌هایی از دلدادگی و باهدف خوشبختی افراد جامعه ایرانی هویداست.

- یکی از واژگان کلیدی و اساسی در تعلیمات نظام وفا، برانگیختن احساسات ملی و غرور و غیرت و حمیت وطن پرستی است که پاسداشت آن را نشانه رشد و تربیت صحیح می‌داند.

## جایگاه وطن در اشعار نظام وفا

موضوع کتاب وسیعی باشد؛ زیرا هر شاعری به گونه و با لحنی ویژه از چشم اندازهای جغرافیایی و تاریخی وطن سخن رانده‌است.

با این که همه شاعران این دوره برداشت روشن و محسوسی از مسأله وطن داشته‌اند، باز می‌توان دو شاخه اصلی وطن پرستی در شعر مشروطه مشاهده کرد: شاخه نخست، شاخه‌ای است که وطن ایرانی را در شکل موجود و اسلامی و حتی شیعی آن، مورد نظر قرار می‌دهد؛ مثل شعر وطنی ادیب الممالک و بعضی که بیشتر از طرز نگرش اروپاییان به وطن مایه گرفته، وطن را مجرد از رنگ اسلامی آن مورد نظر دارند.» (تلقی قدما از وطن - محمدرضا شفیعی کدکنی ص ۴۰)

اما نگاهی همراه با ژرف اندیشی و امعان نظر به اشعار وطنی نظام وفا نشان می‌دهد که نگاه او به وطن، ترکیبی از هر دو است؛ یعنی در کنار طرز تفکر اروپایی به وطن مواردی از مذهب و ایمان و اعتقاد دینی را نیز در کنار آن‌ها گنجانده‌است.

بهر ایران هنر از این سفر آور سوغات

گرچه گویند که خود مهد هنر ایران است

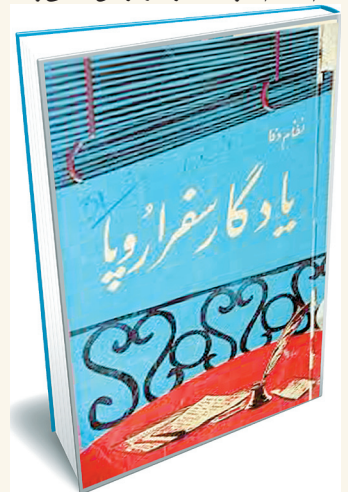
هان مبدا رودت میهن و مذهب از یاد

کاویلن درس شرافت وطن و ایمان است

ضمن این که عشق و ارادت نظام وفا به حضرت

حسین بن علی(ع) و شهامت و ایثار و فداکاری آن

امام همام، نمونه دیگری از گرایش مذهبی وی به



حساب می‌آید. نظام اعتقاد داشت که نهضت امام حسین(ع) قیامی به حق بود و در دیانت تأثیر شگرفی داشته‌است و خون مبارک آن حضرت هرگز خشک نخواهد شد. او چنان به امام حسین عشق می‌ورزید که به یکی از شاگردان خویش توصیه کرده‌است که هر وقت با قلب سوزان و اشک ریزان مقابل آن حضرت تعظیم کنی و سر به خاک بگذاری از سوی من سلام برسان و بگو:

دور افتاده است از کوی شما گرچه نظام

من چو اشک او به دامن شما افتاده‌ام

### غزل‌های وطنی نظام وفا

با بررسی دیوان نظام وفا و مجموعه اشعارش درمی‌یابیم که عمده شهرت نظام وفا سرایش در قالب غزل و رمانتیکسم است و شاه بیت‌های معروفی از وی به جا مانده‌است که زبانزد عام و خاص گشته و جزء امثال و حکم زبان فارسی شده‌است؛ مثلاً:

تا دلی آتش نگیرد حرف جان سوزی نگوید

ال ما خواهی اگر، از گفته ما جست و جو کن

اما وطن و اشعار وطنی در شهر نظام وفا لطین و

پژواک خاصی دارد:

تیره از گرد سمند افلاک کن

خاک میهن را ز دشمن پاک کن

خوشتن را خواهم از بهر تو من

لیک می‌خواهم ترا بهر وطن

و نکته جالب و قابل تذکر و تأمل این که نظام وفا

آنچه قابل تأمل و تذکر است، این که نگرش قدما و گذشتگان به وطن در دوره مشروطیت، برجسته و نمایان است و نظام وفا به عنوان شاعر در این دوره از این اندیشه و طرز تلقی و احساسات ملی گرایانه تأثیر پذیرفته‌است.

وطن ای تو کانون امید‌ها

به هر ذره خاک تو خورشید‌ها

\*\*\*

به پای باش و برومند ای درخت وطن

که زیر سایه تو جاه و افتخار من است

به کار ملک خیانت کسی که می‌ورزد

اگرچه دوست بود خصم نا به کار من است

خدا و میهن و ملت، جوانی و کوشش

نظام در سفر و در حضر، شعار من است

باید توجه داشت که در بیت پایانی، به جای خدا،

میهن و ملت می‌توانست مانند برخی شاعران هم

عصرش، خدا و خسرو و میهن که از نظر موسیقایی هم

شاید بی تناسب نبود و اگر هم می‌گفت، در آن روزگار

کسی زبان به اعتراض نمی‌گشود و ایراد نمی‌گرفت را

بیان کند، اما ورق زدن دیوان و اشعار نظام ثابت خواهد

کرد که نظام اهل مدح و مدیحه و ثناگویی بزرگان کشور

نیست. آن گونه که خودش می‌گوید:

همه گوهر معرفت سفته‌ام

نه مدح و نه هجو کسی گفته‌ام

و یا:

نگفتم مدیح و هجای کسی

اگر چه ز من گفته‌امند بسی

چو آرزو نیازی نباشد به جای

نماند دگر جای مدح و هجای

نظام در عنفوان جوانی به تلاش‌های سیاسی

کشیده شد و از فرزاندانی بود که از اوضاع بد مردمان

وطن رنج می‌برد:

ز هجده نبودی فزون سال من

که شد متقلب یکسر احوال من

در آن روز ایران نمودی نداشت

نمودی اگر داشت، بودی نداشت

یکی دولت جاهل خود پرست

گرفته زمام سیاست به دست

من و جمعی از نوجوانان راد

وطن خواه و بینا دل و پاک‌زاد

بیستیم پیمانی از سوز دل

که یا گردد از خون ما خاک گل

و یا خاک ایران به فرزاندانی

بشوییم از دشمن خانگی

ابیات یاد شده نشان می‌دهد که نظام وفا از شرایط

نامساعد مملکت آن روزگار بسیار خسته و دلزده و دل

کوفته بوده‌است. به گونه‌ای که در جای جای اشعارش

از اوضاع و شرایط نا بسامان وطن آن روزگار می‌نالد و

جوانان را به جنگ و مبارزه با جهل و جهود و رکود فرا

می‌خواند و می‌گوید:

همتی کامروز دشمن چیره‌است

کوکب اقبال ایران تیره‌است

اما در هر شرایط دوستی و حب وطن و توجه

به فر و فروغ و فرزاندانی ایران و وطن در اشعارش

جدا نمی‌شود.

وطن ای تو کانون امید‌ها

به هر ذره خاک تو خورشید‌ها

کنار تو چون گل دل ما شکفت

در آغوش تو نیز خواهیم خفت

به چشمان ما خاک تو توتیاست

که این خاک، خاک نیاکان ماست

«دکتر شفیعی کدکنی» در باب وطن در شعر و

مشروطه می‌نویسد: «شعر و مشروطیت، بهترین جلوه

گاه وطن در مفهوم قومی و اقلیمی آن است و بررسی

شعر مشروطه به لحاظ عواطف میهنی، خود می‌تواند



## تازه‌های کتاب

### مصر و شکر

«مصر و شکر» عنوان نخستین

مجموعه غزل شاعر توانمند ایلامی، حسین شکرپیگی است که در بهار ۹۸ توسط انتشارات سیب سرخ در دسترس دوستداران شعر سنتی قرار گرفته است.

شکرپیگی پیش از این، چند مجموعه شعر سپید و چند اثر در زمینه ادبیات داستانی منتشر کرده بود. با هم چند غزل از «مصر و شکر» را می‌خوانیم:

(۱)

تا چند باید بخت ما بر در بخوابد

در سینه من جای تو خنجر بخوابد

تا چند باید ماه کربن قلب خاموش

جای وفور شعله خاکستر بخوابد

تلی شدم از خاک و باکی نیست، بگذار

بگذار تا این برج ویران تر بخوابد

تو خواستی از هر طرف رفته به بن بست

دیوار بر پا باشد اما در بخوابد

ای پوست گندم! طلای ناب بی غش

آخر چگونه فکر تو در سر بخوابد؟

ای گرم‌تر از آفتاب ظهر خرداد

این سبز تند، این تن چرا پرپر بخوابد؟

آغوش تو دشتی ست با آهوی بسیار

له له زده دریا در این بستر بخوابد

بگذار این رود سراسیمه زمانی

آرام در این دشت پهناور بخوابد

(۲)

از کُفر، نَت‌ها می‌زدَم باهو شدند و

آهو نویسی های من آهو شدند و

باران دو سه پله یکی کرد و فرو ریخت

رگهای خشک ناودان ها جو شدند و

تا قطره ای جوهر به روی صفحه لغزید

گل‌های سرد و کاغذی شب بو شدند و

باد صبا از مشرق کاغذ وزید و

افسانه های تاک‌ها گیسو شدند و

از گرم، تنها برگ‌ها تن می‌خریدند

خاشاک زرد فصل ها جارو شدند و

من چند خط کشتی به دریا ها کشیدم

من چند خط .... چندین لغت پارو شدند و

گشتم به دنبال کسی که هیچکس نیست

دیدم که اشیا آشکارا او شدند و...

(۳)

دکمه های باز باران، باز هم پیراهنت را

باز هم باران می‌آیم تا ببوشانم تنت را

بعد کلی این در و آن در زدن ها، شادمانم

یافتی بر پهن دشت سینه من میهن را

تو مرا با دیده دشمن تماشا کن چرا که

دوست دارم جنگ های تن به تن با دشمن را

انقلابی تازه باید می‌شدی در خود ولیکن

دیکتاتور بودی و به تیر بستی بهمن را

گرچه دیگر مثل سابق نیستی با من ولیکن

مثل سابق دوست دارم مهره های گردنت را

## تصویری از «ابتذال شر» در نمایشنامه «محاکمه اندرسون ویل»



• ندا زمان فشمی

و شرایط زندان را به همان شکل اسف بار حفظ می‌کرد، که این یعنی مرگ چندین هزار نفر آدم؛ و یا باید از دستورات مافوق

سرپیچی می‌کرد و به تبع آن در دادگاه نظامی محاکمه و اعدام می‌شد. ویرز راه اول را انتخاب کرد.

دفاع ویرز در دادگاه آن است که من مسئولیتی نداشتم و صرفا اطاعت می‌کردم.

آی‌شمن هم در دادگاه همین را گفت. اما آرنت می‌خواهد بگوید این تنها آی‌شمن نبود که مرتکب خطا شد و نباید صرفا او را متهم بدانیم؛ همه کسانی که به نحوی در سیستم نازی مشارکت داشتند، با هر انگیزه‌ای، با آن هم‌دست بوده و مقصر بودند. همه آن آدم‌ها به درجه‌ای از خشونت تن داده بودند. افرادی چون آی‌شمن، جنایتکار و جامعه‌ستیز نبودند، بلکه افراد معمولی بودند که از قانون پیروی می‌کردند.

این افراد هر لحظه اختیار داشتند که بخشی از آن نظام نباشند. آنها به خاطر اعمالشان مقصر هستند، ولی هیولا نیستند. دادگاه می‌خواست آنها را هیولا نشان دهد، ولی آرنت میگفت آنها انسان‌های معمولی بودند.

تمام سیستم‌های دیکتاتوری، مشروعیت خود را از همین مردم معمولی می‌گیرند که با آنها همکاری می‌کنند. حتی هیتلر را هم بعضا «دیکتاتور ضعیف» نامیده‌اند؛ به این معنا که از خیلی چیزها درون سیستم خودش اطلاع نداشت و همین باعث شد خیلی وقایع رخ دهد. در سلسله مراتب نظامی، خیلی از آدم‌ها تصمیماتی می‌گیرند که مقام بالاتر اطلاع ندارد و مسئولیت اخلاقی بر عهده مقام پایین‌تر است که این تصمیمات را اجرا کند یا نه.

مدی معتقد است که همه ما ممکن است در زندگی به نقطه ای برسیم که اخلاق را فدای مصلحت کنیم. مشکل اصلی ما آن است که به سادگی می‌توانیم خود را توجیه کنیم. او که به تازگی ترجمه کتاب دیگری به نام «حقایق صادقانه درباره بی‌صدافتی» را آغاز کرده، می‌گوید این کتاب می‌خواهد نشان دهد ما چطور به خودمان دروغ می‌گوییم.

ما تا اندازه‌ای به دیگران دروغ می‌گوییم که بتوانیم آن را برای خود توجیه کنیم و وقتی خودمان را در آینه نگاه می‌کنیم، یک انسان خوب ببینیم. ما انسان‌ها، همواره در حال سبک و سنگین کردن موقعیت و تحلیل هزینه -فایده هستیم. ما تا حدی دروغ می‌گوییم که بتوانیم توجیه کنیم عمل ما برای رسیدن به خیر دیگری بود. هر چه بیشتر دروغ بگوییم و بار اخلاقی این کار در ذهن ما بیشتر شود، در آخر روز، راحت‌تر توجیه می‌کنیم.

در این نمایشنامه می‌بینیم که دادستان، بر خلاف عرف رایج، سعی دارد مسائل اخلاقی را وارد دادگاه نظامی کند. قاضی مخالف بررسی اخلاقی ماجرا است. در دادگاه نظامی، همه مدعیات باید بر اساس قوانین و مستندات باشد نه بر اساس مسئولیت اخلاقی افراد. اما دادستان ماجرا را طوری پیش می‌برد که قاضی رضایت می‌دهد پرسش‌های اخلاقی هم در دادگاه مطرح شوند. دادستان می‌گوید من مطرح کردن این پرسش‌های اخلاقی را به تک‌تک کسانی که در زندان از دنیا رفتند، بدهکارم.

امین مدی بر این باور است آنچه در این نمایشنامه به تصویر کشیده می‌شود، «ابتذال شر» است؛ اینکه مواجهه با شر در مرتبه اول برای ما وحشتناک است ولی وقتی یک رویدادی مکررا رخ دهد، دیگر به اندازه قبل برای ما وحشتناک و شر نیست.

در نمایشنامه می‌بینیم که دکتر بیتس، پزشک زندان، می‌گوید اوایل که وارد زندان شدم، میزان مرگ و میر مرا شوکه کرد و فهمیدم باید روح را آهین کنم و به تدریج تحمل این شوک را برایم آسان‌تر شد. ویرز هم همین بود. اگر می‌خواست به آنچه در زندان می‌گذرد فکر کند، دیوانه می‌شد. شر برای او امری روزمره و عادی شده بود. همانطور که در دادگاه هم به او گفته شد تو هر روز صبح، خیلی عادی با خانواده‌ات صبحانه می‌خوری و بعد به زندانی می‌آیی که جهنم واقعی است.

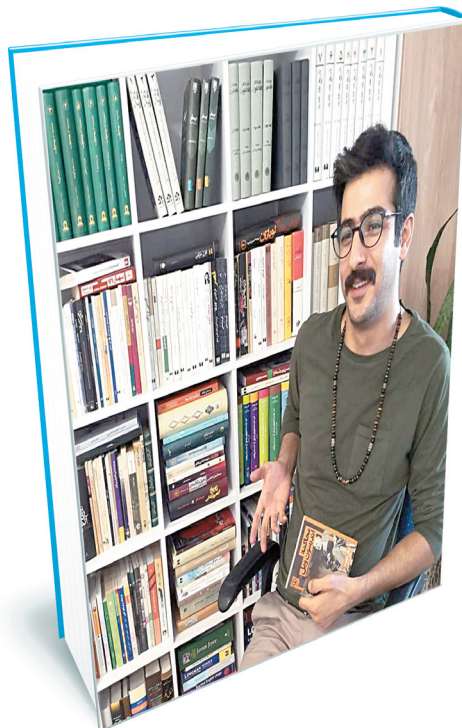
این موضوع در زندگی همه ما نمود دارد. خیلی اتفاقات، اعداد و ارقام، برای ما عادی شده‌اند و واکنشی به آن نشان نمی‌دهیم. شر، بتدریج، تبدیل به یک امر عادی می‌شود و این همان ابتذال شر است؛ وجدان ما، بی‌حس می‌شود.

در پایان نمایشنامه می‌بینیم که وکیل مدافع به دادستان می‌گوید در دنیای واقعی اکثر انسان‌ها تحت سیطره ترس، قدرت‌ها و مسئولان هستند. این برده‌داری را چگونه باید از بین ببریم وقتی در طبیعت انسان جای گرفته است؟ دادستان پاسخ می‌دهد: نمی‌دانم، تلاشمان را می‌کنیم.

این اشاره دارد به اینکه همه ما مانند ویرز هستیم. برای اینکه آدم بهتری باشیم، باید از محیط داده‌های اخلاقی بگیریم. کسی که اخلاقی زندگی می‌کند، هر لحظه دغدغه اخلاق دارد. ما متأسفانه به اندازه کافی از جامعه داده‌های اخلاقی دریافت نمی‌کنیم. اخلاق، یک امر فردی است. هر جایی که بتوانم اثر مثبتی داشته باشم، باید دغدغه من باشد.

انسان گاهی در شرایطی قرار می‌گیرد که مجبور است نه میان بد و بدتر، بلکه میان دو امری که هر دو به یک اندازه بد هستند انتخاب کند و شخصیت فرد، مؤلفه‌ای است که تعیین می‌کند بعدها تاریخ درباره او چگونه قضاوت خواهد کرد.

نمایشنامه «محاکمه اندرسون ویل»، نوشته سال لویت و با ترجمه امین مدی، داستان سروان هنری ویرز است؛ کسی که در زمان جنگ‌های داخلی ایالات متحده، مسئولیت زندان اندرسون ویل یا کمپ سامتر را بر عهده داشت که یکی از بدنام‌ترین زندان‌های ایالات مؤتلفه (ایالات جنوبی) واقع در ایالت جورجیا بود و طی چهارده ماه پایانی جنگ، نزدیک به ۱۳ هزار اسیر جنگی، برابر با ۲۹ درصد از کل زندانیان، به خاطر نبود سرپناه، کمبود امکانات، غذا و سختی شرایط در آن جان خود را از دست دادند. ویرز از مارس ۱۸۶۴ تا پایان جنگ، فرماندهی این زندان را به عهده داشت و یک ماه پس از پایان جنگ دستگیر و برای محاکمه به زندان کیپتول در واشینگتن، دی.سی. فرستاده شد. در این محاکمه ویرز به خاطر آنچه امروز «جنایت جنگی» نامیده می‌شود، با حضور ۹ ژنرال ارتش و در طول ۶۰ روز، محاکمه و سپس اعدام شد. پرونده هنری ویرز در این دادگاه، مبنای قانونی برای برپایی دادگاه و محاکمه‌های نورمبرگ را فراهم آورد.



با امین مدی، مترجم نمایشنامه به گفتگو نشستیم و درباره محتوای این اثر و چالش‌های پیش روی شخصیت اصلی داستان و انتخاب‌های او صحبت کردیم.

وی معتقد بود که در این نمایشنامه، تمام تلاش دادستان نظامی، سرهنگ چیپمن، این است که به نحوی به دادگاه و به متهم، یعنی ویرز، بقبولاند که در آن شرایط، که هر روز بیش از پیش رفتار غیر اخلاقی می‌شده است، او باید از دستورات افسر مافوقش نافرمانی کرده و عمل اخلاقی، یعنی جلوگیری از مرگ و میر زندانیان، را انجام می‌داد. از سوی دیگر، متهم، هنری ویرز، اصرار دارد که اندرسون ویل یک موقعیت نظامی بود و نباید وضعیت یک زندان نظامی را در دادگاهی نظامی، با رویکردی اخلاقی بررسی کرد. ویرز معتقد است که به عنوان فردی نظامی صرفا از دستورات مافوق خود پیروی می‌کرد و بر همین اساس مسئول مستقیم هیچ یک از اتفاقاتی که در اندرسون ویل رخ داده نیست.

من می‌خواهم بگویم همه ما می‌توانیم یک هنری ویرز باشیم. «هانا آرنت» در مقاله‌هایی که از دادگاه آی‌شمن به چاپ رساند، صریحا می‌گوید که «آی‌شمن هیولا نبود، بلکه فردی عادی بود که تنفر عمیقی از یهودی‌ها نداشته است». آرنت هم معتقد است هر کسی در آن موقعیت بود، همین کار را انجام می‌داد. آی‌شمن، صرفا در اندیشیدن ناتوان بود و هیچ‌گاه متوجه نشده مشغول چه کاری است: «مسئله آی‌شمن دقیقا این بود که بسیاری شبیه او بودند، و این‌ها افرادی منحرف و سادیست نبودند، بلکه به شکلی وحشتناک معمولی بودند». در واقع، تشخیص آرنت این بود که حضور و فعالیت آی‌شمن در پروژه «راه‌حل نهایی» نازی‌ها، نه به دلیل تنفرش از یهودی‌ها، بلکه به دلیل ضعف یا نبود قوه تفکر و داوری در او بوده است.

ویرز در موقعیتی قرار داشت که یا باید از دستورات مافوق اطاعت کرده





از فرمایشات ما!

فرمایشات

## آدم های گنده تر از هواپیما

یک کسی که برای اولین بار سوار هواپیما شده بود، رو کرد به بغل دستی اش و گفت: «راست گفتند که از توی هواپیما، آدمها به اندازه مورچه دیده می شوند». دوستش از پنجره هواپیما به بیرون نگاه کرد و با خنده گفت: «مرد حسابی، اینها که خودشان مورچه هستند. هواپیما هنوز بلند نشده».....

غرض از آوردن این لطیفه بی غرض آن است که بعضی از ما آدمها حواسمان نیست با کی طرفیم. گاهی چنان همه چی را با هم قاطی می کنیم که فرق بین آدم و مورچه واقعی را نمی شناسیم. یک چیزی فهمیدیم، خیال می کنیم خیلی فهمیدیم. در حالی که قانون نسبیت انیشتین را در عمل فراموش می کنیم. طبق این قانون، این طور نیست که تمام آدمها از پنجره هواپیما در قد و قامت مورچه دیده شوند. بستگی به آدمش دارد. بعضی از آدمها آنقدر بزرگ می شوند که می توانند جلو هواپیمای در حال پرواز را بگیرند و سوارش شوند.



**شعر نو سعدیانه:** رسد آدمی به جایی که تواند جلو تیک آف هواپیما را بگیرد و بدون باختن قافیه، خودش را در ردیف جلو نشانند.....بنگر که تا چه حد است «مقام» سیاسی آدمیت!

**مورچه ها و آدمها:** در همین راستای هواپیما و مورچه و آدم و انیشتین اهل فناوری و قانون نسبیت(البته بالانسیت بعضی ها)، تقسیم بندی فوری زیر قابل طرح است:

**۱-مورچه های واقعی:** اینها باید با هزار و یک مکافات، بلیت تهیه کنند و بموقع خودشان را به فرودگاه برسانند و چنانچه هواپیما یکی دو سه ساعت ناقابل هم تأخیر پرواز داشت؛ با بزرگواری تمام صبر پیشه نمایند که گویند سنگ لعل شود در مقام صبر.....و با یک عذرخواهی خلبان بی تقصیر، همه چی را فراموش کنند.(البته ناگفته نماند که اگرچه این قرتی بازی ها خیلی هم خوب نیست، اما شرکت هواپیمایی کشوری، غرامت خسارت وارده بر مسافران را در اسرع وقت به در منازل آنها می فرستد تا جبران مافات کند. آدم اگر نداند، همچنین خیال می کند که جبران خلیل جبران، رئیس سازمان هواپیمایی کشوری است! خدایش رحمت کند).....این دسته از افراد، داخل هواپیما هم که می آیند، باز آدم خیال می کند که مورچه اند.

**۲-مورچه های غیر واقعی:** این دسته از اشخاص که البته به ندرت وجود خارجی دارند، ممکن است از پنجره هواپیما به شکل مورچه دیده شوند، اما اگر داخل شوند، ابعاد واقعی آنها دست آدم می آید و با تمام وجود لمس می کنید که مورچه واقعی نیستند. این قبیل افراد مستثنی از بقیه اگر دیر به پرواز برسد؛ قادرند که حتی هواپیما را در لحظه پریدن متوقف فرمایند تا بتوانند سر وقت به کارشان برسند و به مردم خدمت کنند. البته باز هم تکرار می کنیم که این دسته از افراد فوق الذکر به تعداد انگشتان دست هم نمی رسند؛ اما چون بزرگ هستند، کارشان به چشم می آید و خبرش را سریعاً خبرگزاری ها، از اقلیمی به اقلیمی رسانند. در صورتی که به قول سعدی علیه الرحمه: «اگر صد ناپسند آید ز درویش/ رفیقانش یکی از صد ندانند».

**روی تلکس خبر:** روز جمعه گذشته، یکی از مقامات منتسب به دولت، جلو هواپیمای آماده پرواز هما را در مسیر شیراز به تهران، در حالی که تکلیف موتورهایش روشن و در حال پریدن در اول باندبازی بوده است، می گیرد تا همراه با محافظانش سوار آن شود و چون جا برای نشستن هم نبوده است، ایشان با جابه جا کردن نابجای چند مسافر ردیف جلو، موفق می شود در ردیف جلو مستقر شود.

**-ما ز بالا ییم و بالا می رویم.....** ما اینیم.(این را یکی از مسافرانی که در ردیف جلو هواپیما نشسته بود، زیر لب گفت؛ که چون آهسته گفت، معلوم نشد کی بود و گر نه می گفتیم کی بود!)

## به بهانه انتشار کتاب طنز «خالو کوبی» را اشد انصاری بندر عباسی



برخی مواقع هم چون عجله داشته اند، فقط به سبک آبستره چیزهایی را کشیده اند و در رفته اند! صبح زود اگر گذرتان به این کوچه افتاده باشد، قطعا تصاویر تازه و خشک نشده ای را از انسان، حیوانات، و... به صورت رایگان دیده اید.

یادم است سال ها پیش، همین که اتوبوس های مسافربری نصف شب یا دمای صبح می آمدند حوالی فلکه شهربانی و...مسافران را پیاده می کردند، این عزیزان به صورت دسته جمعی به سمت کوچه مورد نظر یورش می بردند و به صورت سرپایی و یا نشسته؛ پشت به پشت یکدیگر، دست به تخلیه خود می زدند!

در برخی مواقع، از جمله فصل زمستان که بنا به دلایلی مدت جیش کردن آدم ها در صبح طولانی تر می شود، تا کوچه های مجاور و حتی خیابان اصلی نیز رودخانه های فصلی جاری می شد. بی آن که شهروندان تکه ابری را در آسمان مشاهده کرده باشند.

طی این سال ها به دلیل کمبود سرویس بهداشتی در بازار، آن قدر شهروندان پر تلاش، روی دوطرف دیواره کوچه و قسمت پایین آن، روم به دیوار(نه دیوار این کوچه البته) ادرار کرده اند که دیواره خشتی کوچه در حال ریزش است. حدود یک متر و نیم از دیوار دو طرف، تبدیل به شوره زار شده است.

کاری که بنده می کنم این است که به محضی که وارد کوچه شدم، نفسم را در سینه حبس می کنم تا به سلامت، بی آن که بوی بدی به مشامم برسد، از آنجا عبور کنم. اما بیشتر مواقع این تلاشم به شکست می انجامد. یعنی هنوز به انتهای کوچه نرسیده ام که نفسم بند می آید و هرچه تلاش می کنم و به موتورسیکلم گاز می دهم، بی فایده است و نتیجه آن می شود که در اواخر کوچه مجبورم نفس عمیقی بکشم. حالا که فکرش را می کنم، می بینم اگر از اول کوچه تا آخر کوچه به صورت عادی نفس بکشم، به اندازه آن نفس عمیق آخری، این همه بوی بد را استنشام نخواهم کرد!....

خب، می فرمایید مجبور نیستیم از آنجا عبور کنیم؟... حق دارید، ولی علاوه بر مواردی که در بالا عرض شد(فرار از موتورگیری و...)، این را هم در نظر بگیرید که اگر از جای دیگری می رفتیم؛ اولاً امروز سوژه ای برای روزنامه نداشتیم که بنویسم، ثانياً جناب شهردار و دیگر مسئولان شهر نیز از وجود چنین کوچه ای در محله کارگزاری اطلاع پیدا نمی کردند تا احیاناً در جهت رفع مشکل مردم کاری نکنند.

در پایان اگر مسئول محترمی پیدا شد و ادعا کرد که چنین کوچه ای و دیوار خشتی و...در مرکز نقل اقتصاد کشور یعنی بندرعباس وجود ندارد و طبق معمول از بیخ تکذیب کرد؛ شخصاً حاضرم دست مبارکش را \_ اگر مرد بود که مشکل شرعی نداشته باشد! \_ بگیرم و ببرمش در کوچه یادشده تا از نزدیک شاهد هنرنمایی برخی شهروندان باشد. اما حتماً یادم باشد که بگویم ماسک همراه با خودش بیاورد.

چهاردهمین اثر راشد انصاری(خالوراشد) شاعر، روزنامه نگار و طنزپرداز؛ با عنوان «خالو کوبی» توسط نشر امینان و با همکاری حوزه هنری هرمزگان منتشر و وارد بازار کتاب شد. «خالو کوبی» مجموعه نثرهای طنز راشد انصاری و چهاردهمین کتاب این نویسنده است که در ۱۲۸ صفحه و تیراژ ۲۵۰۰ نسخه به قیمت ۱۵۰۰۰ تومان منتشر شده است.

علاقه مندان می توانند کتاب را از کتاب فروشی های معتبر تهیه کنند. مرکز پخش کتاب «خالو کوبی» کتابفروشی استاد، به نشانی بندرعباس، سه راه سازمان است. در ادامه بخشی از کتاب «خالو کوبی» را می خوانیم. عنوانش هست: «کوچه بودار»!

### کوچه بودار!

در محله ما، کوچه باریک و تاریکی وجود دارد به طول تقریبی ۵۰ متر که برای رفتن به محل کارم و همچنین برگشتنم هر روز از آنجا عبور می کنم.

در راستای صرفه جویی در مصرف بنزین و ایضاً وقت و همچنین فرار از ترافیک و موتورگیری، این کوچه راه میان بُر و مناسبی است. به ویژه برای موتورسواری مثل من!

اما کوچه یادشده، یک عیب کوچولویی نیز دارد. چون محله ما، محله ای قدیمی (دارای بافت فرسوده) و خلوتی است و از طرفی نزدیک به بازار؛ بیشتر عابران پیاده از خیابان های اطراف و دستفروش های بازار و گاری چی های خیابان بهادر جنوبی، برای عملیات روم به دیوار قضای حاجت شان \_ البته بیشتر از نوع سبک! \_ به این کوچه مراجعه می کنند.

کلی هم خوشحال هستند و سیاستگذار از مسئولان محترم! باید هم خوشحال باشند!...در این کوچه، نه نیازی به پرداخت پول است مثل سرویس های بهداشتی و نه نیازی به ایستادن در صف به دلیل طول بودن. کوچه تالندت بخواهد گنجایش دارد. گاهی اوقات آدمهای خوش ذوقی پیدا می شوند که روی دیوار و وسط کوچه، اقدام به کشیدن نقاشی و طرح هایی در سبک های رئالیسم(واقع گرایی)، امپرسیونیسم(برداشت گرایی) و نواپرسیونیسم می کنند.



نیمسو و تفکر

احمد عبداللہی نیا

\* متولد ۱۳۲۴ - تهران

\* شروع کار کاریکاتور به صورت حرفه ای از سال ۱۳۴۷ و از هفته نامه توفیق آغاز

\* پس از توقیف توفیق، همکاری با اکثر نشریات؛ از جمله: نامه حاجی بابا، بهلول، فکاهیهون، خورجین، کارتون، زن روز، کیهان

کاریکاتور، گزارش هفته، کیهان ورزشی و گل آقا \* نخستین کاریکاتوربست ورزشی در ایران از سال ۱۳۵۰ تا به امروز



